

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

گزارش برگزاری

ششمین همایش بین‌المللی «گفتگوهای امنیتی هرات»

«آینده دولت‌های ملی»

۲۱-۲۲ میزان ۱۳۹۶ - هرات

Herat Security Dialogue-VI

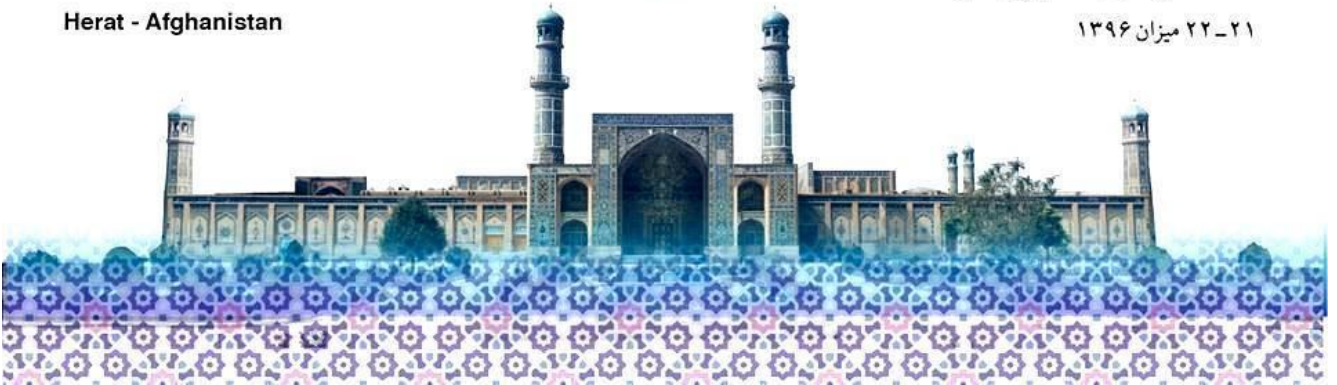
13 -14 October 2017

Herat - Afghanistan



شپږم نړیوال کنفرانس
گفتگوهای امنیتی هرات

۲۱-۲۲ میزان ۱۳۹۶



www.aiss.af

AISS-HSD-06-2017

فهرست مطالب

۳	درباره انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
۵	معرفی مختصر گفتگوهای امنیتی هرات
۵	یادداشت رهنمود همایش ششم
۵	اهداف همایش
۷	افتتاحیه:
۱۰	جلسه اول : دولت‌های ملی: خوشبختی یا بدبختی؟
۱۳	پرسش و پاسخ:
۱۴	جلسه کاری دوم: آیا دولت‌های ملی می‌توانند در قرن بیست و یکم دوام بیاورند؟
۱۷	پرسش و پاسخ:
۱۸	جلسه کاری سوم: دولت در اندیشه و عمل اسلامی: ایده آلیسم؛ واقع گرایی؛ ناامیدی
۲۱	پرسش و پاسخ:
۲۴	جلسه کاری چهارم: راه دشوار دولت‌سازی در افغانستان: مشروعیت؛ ظرفیت؛ سلطه جویی
۲۷	پرسش و پاسخ:
۲۹	جلسه کاری پنجم: دولت دیموکراتیک؛ جامعه دیموکراتیک؛ آینده دیموکراسی
۳۳	پرسش و پاسخ:
۳۴	نشست کاری ششم: نشست ویژه درمورد استراتژی جدید امریکا برای افغانستان / منطقه
۳۹	پرسش و پاسخ:
۴۱	اظهار سپاس؛ رئیس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
۴۲	ضمایم
۴۲	ضمیمه ۱ برنامه کاری:
۴۴	ضمیمه ۲ لیست شرکت‌کنندگان:
۴۸	ضمیمه ۳ بازتاب خبری همایش در رسانه‌های ملی و بین‌المللی:
۴۹	ضمیمه ۴ لوگو و تصاویر همایش:

درباره انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

ماموریت:

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS) در اکتبر سال ۲۰۱۰ تاسیس شد و از آن زمان به یک نهاد تحقیقاتی برجسته در افغانستان تبدیل شده است. هدف اش ایجاد یک فضای روشنفکری برای بررسی مسایل مهم افغانستان در محیط بزرگتر منطقه ای و بین المللی است. انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در پی راه اندازی بحث های به موقع پیرامون افغانستان است و این کار را با چاپ گزارش های تحقیقاتی با کیفیت و تشویق گفتگو در میان طیف وسیع گروه های ذی‌علاقه انجام میدهد. تمام فعالیت ها و برنامه های ما مبتنی بر اصول حرفه ای، استقلال و ارزش های معتبر مترقی و بین المللی است.

اهداف:

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان یک نهاد تحقیقاتی غیر انتفاعی است که تهیه گزارش های تحقیقاتی با کیفیت، بی طرف و پالیسی محور، ترجمه و چاپ کتابهای خوب، آموزش حرفه ای و فعالیت های حمایتی برای برنامه های افغانستان محور را مد نظر خود قرار داده است. یکی از اولویت های این نهاد، تقویت جوانان از طریق ابتکارات برنامه ریزی شده است، چنانکه جوانان آینده کشور را رقم می زنند.

وسایل و فعالیت‌ها:

- در راستای تلاش های جاری برای تحکیم دستاوردهای شکننده افغانستان و تحقق یافتن منافع فراوان بشری و طبیعی این کشور، انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان از یک سری تدابیر و وسایل استفاده می کند:
- انجام دادن تحقیقات مستقل
- توافقات همکاری با موسسات تحقیقاتی همسو
- چاپ (کتاب ها و مجلات)
- ترجمه کتاب ها/ مقالات از انگلیسی به فارسی/ پشتو و بالعکس
- برگزاری نمودن همایش ها، سمینارها، کارگاه ها (در سطح محلی، ملی و بین المللی) و جلسات
- برگزاری برنامه های آموزشی در امور اجرایی و رهبری
- تاسیس برنامه اهدای جایزه سالانه برای جوانان برجسته افغانستان و شخصیت های مهم بین المللی
- ادغام شبکه های اجتماعی و رسانه های نو در تمام فعالیت های خود

ساحات تحقیق:

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان پیرامون طیفی گسترده از مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کار پژوهشی انجام می دهد. در حال حاضر تحقیقات ما در برگیرنده این ساحات می باشد: روند دیموکراتیک دولت سازی، امنیت ملی، انکشاف پایدار اقتصادی، همکاری ها و ادغام منطقه ای، همکاری استراتژیک افغانستان - ایالات متحده امریکا/ غرب، احیای اندیشه اسلامی، و تجلیل از خراسان (ملی/ ادغام فرهنگی - منطقه ای/ باز تولید).

گروه مشاورین:

داکتر رنگین دادفر اسپنټا، رئیس گروه مشاورین (افغانستان)

داکتر بارت ا. روبین (ایالات متحده امریکا)

داکتر دیوید سموئل سیدنی (ایالات متحده امریکا)

داکتر سیما ثمر (افغانستان)

پروفسر شهربانو تاجبخش (فرانسه)

داکتر رادها کومار (هند)

سفیر کای آیده (ناروی)

پروفسر ونگ جیسی (چین)

احمد نادر نادری (افغانستان)

آدرس دفتر:

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، قلعه نه برجه، کارته پروان، کابل، افغانستان

شماره تماس: ۰۰۹۳۷۹۵۳۷۴۳۴۲

وبسایت: www.aiss.af

معرفی مختصر گفتگوهای امنیتی هرات

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS)، ششمین دور "گفتگوهای امنیتی هرات" را به تاریخ ۲۱ - ۲۲ میزان در شهر هرات افغانستان برگزار کرد. در این همایش دور روزه، شماری از مقامات عالی رتبه دولتی، قانونگذاران، دانشگاهیان، نماینده گان سازمانهای بین المللی، رسانه ها و فعالین جامعه مدنی اشتراک کرده بودند. ششمین دور گفتگوهای امنیتی هرات با موضوع "آینده دولت های ملی" برگزار گردید.

گفتگوهای امنیتی هرات (HSD)، یک همایش بین المللی سالانه است که توسط انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در شهر تاریخی هرات برگزار می شود. هدف اصلی این همایش ایجاد فرصت گفتگو میان نماینده گان کشورها برای بحث و بررسی مسایل همکاری در ساحات امنیت، سیاست، فرهنگ و انکشاف در سطح داخلی و بین المللی است.

یادداشت رهنمود همایش ششم

نهاد "ملت- دولت" پس از قرن هجدهم، الگوی اصلی سازمان سیاسی بوده است. این نهاد که اساسا یک اختراع اروپایی است، به یک مدل جهانی تبدیل شده، اگر چه در مورد جوامع غیر اروپایی/ غربی، مصداق آن غالبا به شکل ناخواسته و تحمیلی صورت گرفته است. به هر حال، تغییرات گسترده اجتماعی- اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیکی در جهان امروز، چالش هایی تازه - هم از درون و هم از بیرون، در برابر ساختار و پایداری دولت های ملی قرار داده است. این چالش ها و سوالات، چند بعدی و غالبا متناقض می باشند. از یکسو، پیشرفت جریانات جهانی شدن، اقتصاد، تکنولوژی و جامعه، منجر به شکل گیری هویت ها، بازیگران و مفاهیم فرا ملی- مانند شرکت های چند ملیتی، حکومتداری جهانی، قدرت های سلطه (جهانی/ منطقه ای) و مفکوره اسلامی خلافت، شده است. از سوی دیگر، جریانات ضد جهانی شدن در پی کاهش فضای عمل و نقش دولت های ملی هستند. جریاناتی مانند غیرمتمرکز سازی، سیاست هویتی، سیاست انزواجویانه و خودمختاری محلی، اهمیت دولت های ملی را از درون به چالش می کشند.

ششمین دور گفتگوهای امنیتی هرات (HSD-VI)، پذیرای افراد و اشخاص از سراسر افغانستان و جهان بود تا مسئله آینده دولت های ملی و موضوعات مرتبط به آن - بخصوص دولت ملت های جنگ زده مانند افغانستان، مورد بحث قرار گرفته و درک بهتری در زمینه ایجاد شود. اشتراک کننده گان این نشست، دیدگاه های متنوع خود را از افغانستان، منطقه و جهان با هم شریک ساختند. این همایش به غیر از نشست های آغازین و پایانی، در برگیرنده شش نشست کاری بود.

اهداف همایش

گفتگوهای امنیتی هرات یک چارچوب بحث میان محققین، سیاستمداران، کارشناسان، تحلیلگران و دولتمردان است تا با یکدیگر برای همکاری های انکشافی وسیع، عملا گفتگو نمایند. گفتگوهای امنیتی هرات یک انجمن بین المللی است که هدفش ترویج و تشویق درک متقابل و جستجوی اشتراکات در ساحات سیاست، همکاری های امنیتی، مبارزه با افراطگرایی مذهبی در منطقه می باشد. یکی از اهداف مهم این همایش، به هم وصل کردن کشورها و پل زدن میان آنهاست. این همایش تلاش دارد تا گفتگو میان کشورها و تمدن ها را تقویت نماید.

در این دور گفتگوها، اشتراک کننده گان از افغانستان، منطقه و جهان، نقطه نظرات، دیدگاه ها و پیشنهادات خود را در مورد مسایل، موضوعات و مشکلات متنوع ابراز نمودند که به طور کلی شامل عناوین ذیل می گردد:

- تعامل میان استقلال ملی و به هم وابستگی، اتحاد، وابستگی، سلطه و جهانی شدن
- گفتمان دولت های ورشکسته/ ناکام؛ درس های آموخته شده
- نظام دولت در عصر جنگ جهانی علیه تروریسم
- دولت دیموکراتیک: مشکلات و فرصت ها
- مفهوم دولت در اندیشه و عمل اسلامی؛ خلافت مدرن: مصیبت یا ایدئولوژی؟
- دولت غیر متمرکز در مقابل دولت متمرکز
- طرح قانون اساسی برای جوامع گسسته/ پس از جنگ
- تجربه دولت سازی در افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ و راهکار آینده

این همایش در پاسخگویی به نیاز داشتن یک انجمن دایمی که در آن افراد و گروه های علاقمند بتوانند برای همکاریهای وسیع انکشافی با یکدیگر گفتگو کنند و همزمان باعث تقویت همکاری میان افغانستان و دیگر کشورهای منطقه گردد، راه اندازی شده است. هدف گفتگوهای امنیتی هرات کشف علت های بی اعتمادی میان دولت ها، ادامه یافتن جنگ ها، شورش و تروریسم در منطقه و فراتر از آن است.

افتتاحیه:

ششمین همایش گفتگوهای امنیتی هرات با قرائت آیاتی چند از قرآن مجید، پخش سرود ملی، خوانش مناجاتی از خواجه عبدالله انصاری، اجرای موسیقی صوفیانه و سخنرانی خوشامدگویی محمد آصف رحیمی والی محترم هرات، آغاز شد.

آقای رحیمی در آغاز سخنرانی خود ابراز امیدواری کرد که برگزاری این همایش در راستای گفتگوی های صلح افغانستان مفید واقع شود. او از مخالفین مسلحی که در هرات فعالیت دارند، دعوت نمود تا از فرصت بوجود آمده استفاده نموده و به پروسه صلح بپیوندند. والی هرات با یادآوری ظرفیت های هرات در زمینه های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تاکید کرد که اگر مداخلات خارجی کشورها در امور داخلی افغانستان جلوگیری شود، زمینه صلح و آبادی کشور ایجاد می شود و منافع متقابل کشورها نیز تامین خواهد شد. ولایت هرات ظرف یک سال گذشته شاهد سرمایه گذاری بیشتر از یکصد دالر امریکایی در بخش های زیربنایی و صنعتی بوده است. در این مدت حدود سی کارخانه جدید تنها در شهرک صنعتی به تولید آغاز نموده و شصت کارخانه قبلی توسعه یافته است. هرات نمونه ای از استعداد، پیشرفت و انکشاف در افغانستان است. اگر از مداخلات حلقات بیگانه در امور داخلی کشور- بویژه آنانی که منافع خود را در نامنی و بی ثباتی افغانستان می بینند، جلوگیری شود، هر یک از ولایات کشور جاذبه های سیاحتی و گردشگری و توانایی تبدیل شدن به فرصت های بالقوه اقتصادی را دارند. ایشان با تذکر دادن اینکه اداره محلی هرات از سرمایه گذاری در این ولایت استقبال می کند، از اهمیت سرمایه گذاری بر تحصیلات عالی و رشد نیروی متخصص و جوان یادآوری نمود. به گفته آقای رحیمی حمایت از نیروهای امنیتی و تعهد سیاسی برای تحقق اهداف ملی را برای پیروزی بر دشمنان افغانستان ضروری خواند.

سپس داکتر رنگین دادفر اسپننا، وزیر خارجه سابق افغانستان و رئیس بورد مشورتی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، پیرامون موضوع همایش به ایراد سخنرانی پرداخت. آقای اسپننا به نماینده گی از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، به اشتراک کننده گان و مهمانان همایش خوشامد گفت. او در سخنرانی اش از جهانی شدن و مداخله نظامی مبتنی بر نظم تحمیلی نئولیبرال به عنوان دو عامل مهم ضعف و شکست دولت های ملی در جهان سوم نام برد.



" پروسه جهانی شدن همچنان به جلو می رود و موجب کاهش حوزه صلاحیت های دولت های ملی می گردد. گسترش فعالیت نهادهای بزرگ بین المللی و سازمان های غیر دولتی و همچنان گسترش خصوصی سازی کالاهای عامه مثل تحصیل، عرضه خدمات صحتی و امنیت، اگرچه در کشورهای دارای دولت های نیرومند، موجب فروپاشی دولت ها نمی شود، اما پیامد آن در جهان سوم یا کشورهای پسااستعمار طور دیگری است و یکی از عوامل بسیار جدی و اساسی فروپاشی دولتهاست. بدین مبنا اعمال سیاست های افراطی نئولیبرالی در عرصه اقتصاد، بازار و سیاست و همچنان ضعف دولت های جهان سومی پسا استعمار- به شمول موجودیت فساد، نبودن یک برداشت و فرهنگ منسجم از دولت - ملت، یکی از عوامل اصلی فروپاشی دولت های معاصر می باشد." آقای اسپنتا تاکید کرد که طی سالهای گذشته تلاش بر آن بوده تا در بسیاری از کشورها- به شمول افغانستان، دیموکراسی تحمیل شود. اما این تلاش با شکست مواجه شده است. او خواهان بازاندیشی اصول دیموکراسی بنا بر انگیزش ها و نیروهای درونی در افغانستان گردید.

" آنچه که ما به عنوان مشکل با آن در افغانستان روبرو هستیم این است که ما جنبش فراگیر و نیرومند و توده ای شده دیموکراسی طلب نداشتیم و به همین دلیل هم هست که در تلاش خود برای ایجاد دیموکراسی دچار مشکلات می باشیم. پایدار ساختن دیموکراسی علی رغم همه زیبایی ها که دارد، به گونه تحمیلی سخت است. اگر این پروسه در آلمان و جنگ جهانی دوم ممکن شد، بخاطر آن بود که پیش از آن، آن کشور نزدیک به یکصد سال جنبش مردمی سوسیال دیموکراسی، لیبرال خواهی و حتی جنبش هایی دیموکراتیک مسیحی داشت؛ چیزی که در کشورهای جهان سوم مثل ما نیست. به همین دلیل هم هست که تلاش های دیموکراسی سازی موفق نمی باشد. ما باید در مورد پروسه دیموکراسی سازی در افغانستان از نو بیاندیشیم و فکر بکنیم که چگونه می توانیم مبتنی بر واقعیت های افغانستان و توان نیروهای واقعا موجود سیاسی در افغانستان طرح دیموکراسی سازی یا دولت سازی را پیاده بکنیم."

داکتر اسپنتا سپس به معرفی جلالت مآب سفیر کای آیده (سابق نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد در افغانستان) پرداخت که پس از ایشان سخنرانی خود را ایراد کرد. او از کای آیده به حیث یکی از دوستان افغانستان نام برد و از تجربیات مشترک همکاری خود در موقف وزیر خارجه افغانستان با سفیر کای آیده در زمینه دفاع و پشتیبانی از حقوق بشر در افغانستان یادآوری نمود.

سفیر کای آیده، سابق نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد در افغانستان و عضو گروه مشاوران انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در آغاز سخنرانی اش از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان بخاطر برگزاری همایش های مهم پیرامون مسایل منطقه و جهان، سپاسگذاری نمود. در رابطه با موضوع همایش، او تاکید کرد هیچ تعریف قطعی از " ملت- دولت " وجود ندارد، مگر اینکه بر این نکته تاکید شود که دولت ملی هیچ گاه به طور انحصاری بر اساس یک ملت واحد تعریف نشده است. دولت ملی همیشه به حیث بنایی دیده شده که ملت های متعدد با گروه های قومی و غالبا زبانهای مختلف را شامل می شود.



او با ارائه معلومات از تحول تاریخی ملت- دولت، گفت: "وقتی دولت های ملی به تدریج پدیدار شدند، مردم قبایل و امپراطوریهها تبدیل به شهروندان ملت- دولت ها شدند." وی سپس در مورد چارچوب های چند جانبه برای همکاری بین المللی - مانند چارچوب ادغام اتحادیه اروپا، جهت پیشگیری از تکرار فجایع خلق شده توسط دولت های ملی - نظیر جنگ جهانی دوم، صحبت کرد. "چند جانبه شدن به نفع ما بوده است. ما انقلاب تکنولوژیک و اقتصادی بی سابقه را تجربه کردیم که غیر ممکن می نمود. اگر چه سهم مردم یکسان نبوده است. ما شاهد جنگ های داخلی و منطقه ای، تجاوزها و سرکوب های گسترده بودیم، اما دیگر جنگ های سراسری که جامعه جهانی را در سالهای ۱۹۴۰ متاثر ساخت، ندیدیم. ما وارد یک دوره ثبات نسبی شدیم. اما همچنان ما در دورانی قدم گذاشتیم که کنترل اقتصادی از دسترس دولت ها خارج شد و به دست بازارهای ملی و شرکت های چند ملیتی قرار گرفت. اقتدار دولت ها کاهش یافت و به سازمان های و نهادهای چند جانبه انتقال یافت... امروز بخشی مهم از قوانین که در کشورهای اتحادیه اروپا تصویب می شود، منبعث از بروکسل است." سفیر آینده سخنان خود را با بحث در مورد برخی مشکلات مهم جامعه جهانی - مانند تروریسم بین المللی، تغییرات جوی، مناقشه سایبری، مهاجرت و روند جهانی شدن، ادامه داد. او درباره تهدید تروریسم بین المللی تاکید کرد که پنهان شدن پشت دیوارهای دولت های ملی مشکل را حل نمی کند، زیرا مشکلات جهانی شده است. "تروریسم بین المللی در حال رشد است و نه خود را در خاورمیانه و کشورهای جنگ زده مثل افغانستان نشان میدهد، بلکه اکنون به یک تهدید جدی در سراسر آسیا و اروپا تبدیل شده است. پاسخ ما در مقابل ناکافی و پراکنده نبود است. گرایش موجود این است که به عوض سرمایه گذاری برای همکاری آینده، پشت دیوارهای ملی پنهان شویم." به گفته ایشان، تنها در سال ۲۰۱۵، حدود نهمصد هزار پناهجو به آلمان رسیدند. او هشدار داد که جریان مهاجرت در اثر مشکلاتی چون افزایش جمعیت و فقر ادامه خواهد داشت. سفیر آینده خواهان همکاری مبتنی بر پالیسی های مشترک شد تا وضعیت موجود کنترل شود.



گرداننده :

دوکتور کرسستین فییر، استاد یار دانشگاه جورج تاون، امریکا

سخنرانان:

- دوکتور انور الحق احدی، رئیس جبهه ملی نوین افغانستان، وزیر مالیه پیشین جمهوری اسلامی افغانستان
- پروفیسور پائولو کوته راموسینو، دبیر کل کنفرانس های پگواش در زمینه علوم و امور جهانی، ایتالیا
- پروفیسور مگنوس مارسدن، جامعه شناس و مدیر مرکز آسیایی ساسکس در دانشگاه ساسکس، انگلستان
- پروفیسور عبدالسلام محمد نظروف، پوهنتون ملی تاجیکستان

دکتر فییر اشتراک کننده گان محفل را خوشامد گفت و سخنرانان این جلسه کاری را به ترتیب معرفی کرد. او در سخنان مقدماتی خود برای معرفی عنوان بحث، رئیس جمهور ایالات متحده امریکا را مورد انتقاد قرار داده و گفت که او به بسیاری از ارزش هایی که جامعه امریکا برای دفاع از آنها جنگیده است، بی توجهی می کند. او تاکید کرد که در حال حاضر، دولت های عوامگرا، نهاد ملت-دولت را در سراسر جهان با تهدید مواجه ساخته اند.

سخنران اول نشست، داکتر انورالحق احدی در مورد وضعیت کلی دولت های ملی در جهان امروز سخنرانی کرد. آقای احدی در ابتدای سخنرانی اش از برخی از نهادها و موسسات مهم بین المللی در سطح منطقه و جهان نام برد که در کاهش نقش دولت های ملی و تسریع روند جهانی شدن تاثیر گذار بوده اند. او سپس به تحول تاریخ دولت های ملی پرداخت و تذکر داد که در دولت های ملی یکی از مشکلات مهم پراکنده گی جمعیت های ناهمگون در مرزهای سیاسی کشورهاست.

"مشکل دولت های ملی این بود که چطور می توانند از مردمی که همه شان صاحب فرهنگ واحد نبودند یک جمعیت سیاسی واحد یعنی ملت را بسازند که به کشور و دولت ملی وفادار باشند و در صلح و امنیت با دولت های هم جوار زندگی کنند. آنچه وحدت ملی را بسیار کمک کرد پالیسی مساوات حقوقی شهروندان یا مبارزه بر ضد تبعیض مذهبی، نژادی و قومی بود. ازدیاد معاملات اقتصادی در بین مناطق مختلف کشور، انکشاف بازارها به سطح ملی، اعمار زیربنای مواصلاتی، افتتاح مکاتب ابتدائیه و ثانوی با نصاب های ملی، ایجاد بیروکراسی دولتی و تهیه خدمات عمومی به همه مردم، محافظت از سرحدات و ایجاد سیستم پاسپورت، ویزه و رسانه ملی - خصوصاً رادیو تلویزیون، بعد از جنگ جهانی دوم، در تقویه دولت های ملی و در ملت سازی بسیار موثر ثابت شدند. متأسفانه که دولت های ملی در کنترل کردن اختلافات با دول هم جوار بسیار کامیاب نبودند."

ایشان ضمن بیان مزایا و فواید ادغام های منطقه ای - مانند اتحادیه اروپا، به تاثیرات منفی سیر جهانی نیروی کار و سرمایه اشاره نمود و بر ضرورت حفظ توازن میان ملی گرایی و روند جهانی شدن تاکید کرد. "کارگران بیکار شده در اکثر کشورهای صنعتی بر سیاسیون خود فشار می آورند تا جلو جهانی شدن اقتصاد را گرفته و درعوض اقتصاد ملی را تقویت کنند. نگرانی ناشی از مهاجرت مردم کشورهای کم درآمد شرق اتحادیه اروپا به کشورهای مرفه غرب این اتحادیه، مسئله ای است که در اثر آسان شدن مهاجرت در قالب اتحادیه اروپا بوجود آمده است. این تشویش در مورد مهاجرت به امریکا هم وجود دارد. شعار "اول امریکا" در دولت رئیس جمهور ترامپ حاکی از پاسخ به همچون نگرانی ها برای تقویت فرهنگ و اقتصاد ملی است... البته از زمان انقلاب صنعتی، چنین نوسانات منفی در چوکات اقتصاد ملی هم دیده شده اما دولت های ملی پروگرام های محافظوی (safety net) را در بعضی ساحات برای شهروندان خود تاسیس کرده اند. شاید وقت آن رسیده باشد که دولت های ملی برنامه های جدید محافظوی را در برابر تغییرات اجتماعی منفی روی دست بگیرند."

سخنران دوم، پروفیسور پائولو کوته راموسینو، سخنرانی خود را با عنوان "ملت - دولت و افغانستان" ایراد کرد و تاکید نمود که در حال حاضر انسجام و ثبات دولت های ملی در فشار گسست های زبانی، قومی و مذهبی داخل کشور ها قرار گرفته است. افغانستان نه تنها همه این گسست ها را در خود دارد، بلکه هم مرز با کشور هایی است که مشابهت های زبانی، مذهبی و قومی با بخش های مختلف افغانستان دارند. او به مشکلاتی که افغانستان طی حدود ۴۰ سال جنگ تجربه کرده اشاره نمود؛ در جریان این مدت دو ابرقدرت جهانی این کشور را اشغال کرده اند و افغانستان با کشورهای همسایه اش که میلیون ها مهاجر افغانستان را در خود جای داده اند، دچار مشکلات شده است. مدتی کوتاه پس از خروج قوای اتحاد جماهیر شوروی، جنگ داخلی میان گروه های مختلف، این کشور را تخریب کرد. ایشان به این نکته که در حال حاضر ۴۰٪ قلمرو افغانستان از کنترل دولت بیرون شده است، اشاره کرد. طالبان که رژیم شان در سال ۲۰۰۱ سقوط کرد، هنوز قسمت های بزرگ از خاک افغانستان را در کنترل دارند. از سوی دیگر، اخیراً گروه های جدید شورشی شکل گرفته اند که برخی از آنها همعقیده داعش می باشند. فعلاً حدود ده هزار نفر نیروهای خارجی (ناتو) در افغانستان هستند و انتظار می رود در جریان تطبیق استراتژی جدید دولت امریکا افزایش یابند. اما به گفته آقای راموسینو، هر گونه پیش بینی پیروزی درجنگ - چه توسط طالبان، دیگر گروه های شورشی، دولت (که در پی در دست گرفتن کنترل تمام کشور است) یا نیروهای خارجی (که استراتژی ضد شورش آنها پس از شانزده سال ناکام مانده است)، عملاً غیر ممکن است. درعین حال کشورهای منطقه نمی توانند راه حل ارائه کنند. او تاکید کرد که گفتگو با طالبان یک کار آسان نیست، اما یک قدم ضروری برای برقراری صلح در افغانستان می باشد. درحالی که دولت افغانستان به گفتگوی اصولی با طالبان تاکید می کند، پیامی که می فرستد دعوت به "تسلیم شدن" است. انتخابات آینده وضعیت را پیچیده تر می سازد. وی در جمع بندی سخنرانی اش بار دیگر تاکید کرد که پیشبینی آینده مثبت نیست و تنها راه حل موجود زمینه سازی برای گفتگو با طالبان است.

سخنران سوم، پروفسر مگنوس مارسدن، بر پروژه ملت- دولت از منظر جامعه‌شناسی و فلسفی تمرکز داشت. پروفسر مردسن اظهار داشت که یک دلیل اصلی علاقمندی دانشگاهیان به بحث منشاء ملت - دولت ها و ملی‌گرایی در عصر جدید، اهمیت جنبش‌های ضد استعماری در دهه‌های ۱۹۴۰، ۵۰ و ۶۰ می‌باشد. همچون جنبش‌ها و ظهور ملت - دولت‌های مستقل برآمده از جهان پسا استعماری، اولین کارهای تحلیلی را زمینه‌سازی کرد. اخیراً، سقوط اتحاد جماهیر شوروی، و متعاقب آن رو نما شدن مناقشه قومی در سرزمین‌های آزاد شده، دانشمندان را به پرسیدن یک رشته سوالات مختلف و درعین حال مرتبط به هم درمورد رابطه قومیت و ملت- دولت، واداشت. به گفته ایشان، برخاستن جنبش‌های بنیادگرای مذهبی که دولت‌های ملی را به حیث یک پدیده سازماندهی غربی تحمیل شده در جریان سلطه استعماری، رد می‌کنند، نقطه عطف دیگر در علاقمندی کارشناسان به بررسی منشاء و آینده ملت - دولت می‌باشد. آقای مردسن تحلیل خود را در اطراف چهار نقطه نظر صورت داد. اول، او تئوری‌هایی که دولت ملی را به عنوان شکل سازماندهی زندگی سیاسی، محصول دوران مدرن می‌شمارند، مرور کرد. این تئوری‌ها استدلال می‌کنند که ملت- دولت و ملی‌گرایان هویت‌های مدرن هستند. دوم، او از تئوری‌هایی یادآوری کرد که ملی‌گرایی را چیزی مربوط به تشکیل هویت تاریخی می‌دانند. صاحب‌نظران معتقد به این دیدگاه را غالباً باستانگرا می‌نامند. سوم، او به تئوری‌هایی پرداخت که نقش قدرت، اقتدار و کنترل را در توضیح این شکل از سازماندهی زندگی ساسی مهم تلقی می‌کنند. در بخش چهارم و پایانی، او به معرفی دیدگاه فیلسوفانی که رابطه اسلام و ملت- دولت‌ها را بررسی کرده‌اند، پرداخت. ایشان در جمع‌بندی سخنرانی‌اش به موج نو از دیدگاه‌ها اشاره کرد که این موضوع را که اسلام تفکر مسلمانان پیرامون ملت- دولت را شکل داده است، به چالش می‌گیرد. پروفسر مردسن از کتاب اخیر کمیل آیدین تحت عنوان "مفکوره جهان اسلام" نام برد که در آن گفته شده است "متون و سنت‌ها از فرد مومن هیچ نوع خاص سیاست را مطالبه نمی‌کنند. بلکه بر حسب شرایط، ممکن است شما درعین وفاداری مذهبی خود، از پروژه‌های سیاسی گوناگون حمایت کنید."

سخنران چهارم نشست پروفسر عبدالسلام محمد نظروف، در سخنرانی خود تحت عنوان "درس‌های آموخته شده از عصر طلایی آسیای میانه" از تجربه حکومتداری آسیای میانه در قرون گذشته صحبت کرد. پروفسر نظروف در صحبت‌های خود از کتاب دکتر فرد ستار پیرامون عصر طلایی آسیای میانه (منتشر شده توسط انتشارات دانشگاه پرینستون در سال ۲۰۱۳) یادآوری کرد. او سخنرانی‌اش را در دو بخش ارائه کرد. وی در بخش اول سخنرانی‌اش مروری بر کتاب مذکور داشت و در بخش دوم از درس‌های آموخته شده آسیای میانه تذکر داد. کتاب در مطالعه دوره روشنگری آسیای میانه با بررسی بیش از هزار و چهارصد اثر، به زندگینامه برخی از چهره‌های برجسته تاریخی - مانند ابن سینا، بیرونی، بوزجانی، فارابی، فرغانی و... و دستاوردهای ایشان می‌پردازد. به گفته وی هر چند شخصیت‌های مذکور به زبان عربی می‌نوشتند، ولی آنها از ریشه و میراث آسیای میانه‌ای برخوردار بودند. این مرور تاریخی به مخاطبان - بخصوص مخاطبان کشورهای غربی، از عصر طلایی آسیای میانه در دوره ۴۰۰ ساله از قرن هشتم تا دوازدهم، یادآوری می‌کند. پروفسر نظروف تأکید کرد که علی‌رغم تفاوت و تکثر در زبان، قومیت، ملت و منطقه مسکونی، ساکنان تمام مناطق آسیای میانه به یک ساحت فرهنگی تعلق داشتند که دربرگیرنده قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، افغانستان و پاکستان فعلی و نیز منطقه سینکیانگ چین می‌شد. او تأکید نمود که آسیای میانه نه تنها یک "معر تمدن" بلکه همچنان یک "هویت تمدنی" بود، چنانکه کاروان‌های تجاری، دانشمندان و متفکرین در آن گذر داشتند، از آن می‌آموختند، آثار بزرگ فکری را ترجمه می‌کردند و دانش این تمدن را به شرق و به غرب انتقال می‌دادند. او در جمع‌بندی سخنرانی‌اش بر اهمیت مبارزه با جاهلیت از راه روشنگری تأکید کرد.

پرسش و پاسخ:

- وضعیت کشورهای ورشکسته مانند افغانستان را چگونه توضیح می دهید؟
- چگونه افغانستان میتواند قدرت خود را انکشاف دهد؟
- چگونه افغانستان برابری میان شهروندان اش را تضمین کند؟

پروفسر مارسدن در پاسخ به سوالات گفت " طرح این مسئله خودش مشکل دارد. از دیدگاه من، مسئله ما سخن گفتن از ورشکستگی یک کشور نیست، بلکه مسئله ما کشوری است که در نظام بین المللی به ورشکستگی دچار شده است. این مسئله بخصوص با در نظر داشت موقعیت جغرافیایی افغانستان و تاریخ آن قابل بررسی است. این موضوع غالباً مورد بی توجهی قرار گرفته است. مسئله دیگری که معمولاً مورد بی توجهی قرار گرفته این است که حتی در چنین شرایط دشوار، مردم این کشور توانسته اند ساختارهای خود را بوجود آورده و روابط و منابع شان را برای بقاء به کار گیرند. در رابطه به این مسئله، به نظر من ما باید دقیق حرف بزنیم. در سطح جهان برخی از کشورهای موسوم به جهان سوم توانسته اند در ساختار دولت های ملی عملکرد خوب داشته باشند. کشورهایی هم مانند افغانستان در این نظام ناکام بوده اند. اما همچنان ما می دانیم که در داخل افغانستان برخی گروه ها از دولت بهره عالی گرفته اند، در حالی که برخی دیگر کمتر از آن استفاده برده اند. پس باید در این باره دقیق حرف بزنیم. تا زمانی که کشوری مثل افغانستان نتواند از راه ها و روابط خود برای افزایش نفوذش در سطح وسیع تر منطقه بهره برداری کند، نظام ملت= دولت همیشه برایش مشکل ساز خواهد بود." او تاکید کرد که " افغانستان برای انکشاف قدرت خود باید ظرفیت های خود را چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی شناسایی کرده و از آنها استفاده کند."

پروفسر راموسینو در پاسخ به سوال اول اظهار داشت: " پاسخ این سوال اهمیت ندارد. این یک سوال بی ربط است. زیرا سیاست وابسته به طرز تفکر ما نیست. به نظر من، تمام دولت ها بنا بر یک رشته وقایع تصادفی به شمول جنگ ایجاد شده اند. هیچ کدام کشوری نیست که به لحاظ هویت ملی و مرزهای خود کامل باشد. اروپا پر از این گونه دولت های دارای فرهنگ ها و زبان های مختلط است. این مشکل از طریق غیرمتمرکز سازی و همکاری بین المللی حل می گردد. این راه حل است و ما باید به راه حل های سیاسی بیاندیشیم. شما می خواهید در کشور خود وحدت داشته باشید؛ پس ما باید در راستای تشویق گفتگو و تعامل بیشتر تلاش نماییم. آیا وضعیت خوب است؟ من نمی خواهم در مورد ورشکستی یا کامیابی دولت کلی گویی کنم. من فکر می کنم اوضاع کشور چندان خوب نیست، وگرنه مردم چیز دیگری می گفتند. بنا براین، باید اقدامی صورت بگیرد. افغانستان دارای منابع سرشار است- نه تنها به لحاظ غنای فرهنگی و سیاست خود، بلکه به لحاظ منابع طبیعی و کالاهایی که در اختیار دارد. آنها باید برای ایجاد فرصت های بهتر برای نسل نو مورد استفاده قرار گیرند. به نظر من ایجاد فرصت ها برای مردم این کشور ضروری است و همچون چیزی تنها در فضای عاری از جنگ ممکن می گردد."

داکتر احدی در پاسخ به سوالات گفت: " به نظر من، انکشاف ملت= دولت و هویت ملی در راستای تکامل سیاسی جوامع مطلوب است. داشتن هویت های ملی برای انسان ها بسیار مهم است. مسئله مهم عناصر تشکیل دهنده یک ملت= دولت است. من فکر می کنم دولت ها از نوعی هویت باستانی آغاز می شوند. مهم آن است که برابری تمام شهروندان یک دولت تامین گردد. پس از انقلاب فرانسه این یک فلسفه پذیرفته شده است و به نظر من این موضوع در قانون اساسی ما تسجیل شده است.

جلسه کاری دوم: آیا دولت های ملی می توانند در قرن بیست و یکم دوام بیاورند؟



گرداننده :

دوکتور غلام علی چگینی زاده، استاد علوم سیاسی در دانشگاه علامه، تهران، ایران

سخنرانان:

- دوکتور نصیر احمد اندیشه، محقق و دیپلمات، معاون وزیر خارجه افغانستان
- ستر جنرال راج نارایانان، عضو برجسته انستیتوت یونایتد سرویس، هندوستان
- دوکتور ذکیه عادل، استاد علوم سیاسی در دانشگاه کابل
- دوکتور جفری ای. ستاسی، محقق، دیپلمات/ مدیر همکار جیوپولیسیتی در ایالات متحده امریکا

دکتر غلام علی چگینی زاده، با خوشامدگویی سخنرانان و معرفی ایشان، بحث را با پرسیدن اینکه آیا دولت های ملی در قرن حاضر دوام می آورند و یا تسلیم نیروهای بین المللی می شوند، آغاز کرد. او در سخنان مقدماتی اش از هرات به عنوان یک شهر دارای ویژه گی های منحصر به فرد و مرکز تمدن منطقه ای نام برد. ایشان گفت که در ده های اخیر قرن گذشته سوال اصلی روشنفکران، انکشاف و راه های رسیدن به انکشاف بود، اما در این دوران مسئله اصلی ما امنیت است. "متأسفانه با گذشت زمان، ما بیش از پیش زیر فشار قرار داریم. امروزه سوال ما این است که چرا ما امنیت نداریم. بنا بر این، خوب است که بحث دولت های ملی را از این منظر مورد توجه قرار دهیم."

سخنران اول این نشست، خانم دکتر زکیه عادل بود که در مورد "تاثیر سازمانها و رژیم های بین المللی بر دولت های ملی" سخنرانی کرد. او با مرود دیدگاه های مختلف در مورد تاثیر روندهای جهانی و بین المللی بر عملکرد دولت های ملی، به چارچوب نظم لیبرال را برای بهبود وضعیت دولت-ملت ها مثبت قلمداد کرد.

" با تسریع فرآیند جهانی شدن و نفوذ پذیر شدن مرزها و دخیل شدن سایر بازیگران غیرحکومتی در عرصه ی سیاست ؛ میزان اقتدار دولتها کاهش یافته و حاکمیت آنها محدود شده است. به موازات کاهش اقتدار دولتها؛ میزان قدرت نهادها؛ سازمانها و شرکتهای بین المللی افزایش یافته به گونه ای که چگونگی سیاستگذاری و عملکرد دولتها را تا حد زیادی تحت تاثیر قرار داده اند. امروزه علاوه بر جهانی شدن در ابعاد مختلف آن؛ سایر عوامل همچون گسترش ارتباطات و تکنالوژی ؛ گسترش بازیگران غیرحکومتی ؛ رشد و ترویج نظام لیبرال دموکراسی؛ حقوق بین الملل و قواعد و رژیم های بین المللی؛ دولتهای ملی را متاثر ساخته اند.

در این رابطه برخی معتقدند رابطه ای دو سویه و مستقیم بین جهانی شدن و دولتهای ملی وجود دارد. گروه دوم از دانشمندان معتقدند جهانی شدن به تضعیف کارکردهای عمده اجتماعی اقتصادی دولت منجر می شود.

خانم عادلی گفت که برای ارزیابی عملکرد دولت های ملی در فضای تاثیرات فرا ملی باید سه مولفه کارایی، استقلال و اقتدار را در نظر گرفت. " دولتها در شرایط فعلی می کوشند با سهم کردن سایر بازیگران غیر دولتی (نهادها و سازمانها) در قدرت و اقتدار؛ بر میزان کارآیی خود بیفزایند. هر چند این امر حاکمیت و اقتدار آنان را با چالش جدی مواجه ساخته است... سازمانها؛ نهادها و رژیم های بین المللی حاکمیت دولتها را در سه عرصه ی قانون گذاری؛ اجرایی و قضایی با چالش های جدی مواجه ساخته است. " ایشان در جمع بندی سخنرانی اش از برخی تاثیرات مثبت سازمان ها و رژیم های بین المللی بر عملکرد دولت های ملی یادآوری کرد. " علاوه بر تاثیرات محدود کننده ی نهادها، سازمانها و رژیم های بین المللی بر دولتها، می توان از تاثیرات مثبت آنها بر عملکرد دولتها نیز یادآور شد. نهادها، سازمانها و رژیم های بین المللی می توانند به دولتها کمک نمایند تا ضمن همکاری با یکدیگر در راستای تامین منافع مشترک از هزینه های مادی و معنوی جنگ جلوگیری نمایند. آنها همچنین باعث ایجاد الگوی رفتاری واحد برای دولتها در جهت تعامل موثر با یکدیگر می گردند. "

سخنران دوم این نشست ستر جنرال ستر جنرال راج نارایانان، سخنرانی خود را زیر عنوان " جهان در حال گذار؛ رابطه مفهوم ملت- دولت در عصر به هم وابستگی جهانی " ارائه کرد. مسئله محور سخنرانی ایشان این بود که چگونه نظام جدید جهانی به طرف چند قطبی شدن سوق پیدا کرده و دوره دیگری از رقابت برای " توازن قوا" را بوجود آورده است. طی سالهای ۱۹۸۰، مسئله جهانی شدن و به هم وابستگی متعاقب آن، مبارزات تسلیحاتی میان قدرت های شمال را به لحاظ اقتصادی غیر عملی ساخته و منجر به ایجاد حوزه های نفوذ در بین دولت های نیمه توسعه یافته و کشورهای کوچک جنوب شده است. این موضوع خودش را با تغییر رژیم، فشار جئو استراتژیک یا جئواکونومیک از سوی شمال نشان داده و به شکل گیری " جنگ های کوچک"، تروریزم و دیگر آشفتگی ها انجامیده است. جنرال نارایانان تاکید کرد که گفتمان ملت - دولت، جنوب را قادر نساخته تا از خودمختاری، حاکمیت و منافع ملی خود دفاع کنند. با توجه به این ملاحظات، ایشان الگویی را پیشنهاد کرد که نهادهای بین المللی بتوانند بر اساس چند جانبه گرایی منطقه ای در سطح وسیع تر توازن لازم را بوجود آورند. او این نکته را تذکر داد که دولت به طور خاص یک هویت سیاسی و جئوپولیتیک است در حالی که ملت یک هویت فرهنگی قومی می باشد. بناء مقوله " ملت- دولت" می طلبد که هر دو بخش آن هماهنگ گردند، چنانچه یک دولت بتواند یک گروه خاص فرهنگی مرتبط با خود را در بر بگیرد. ساری شدن جریان جهانی شدن باعث ادغام و به هم وابستگی جهانی بیشتر گردیده است که طی آن فشار جئو اکونومیک و جئواستراتژیک به حیث ابزار به دست آوردن فضای استراتژیک استفاده می شود. دو کشور زمانی به لحاظ اقتصادی به هم وابسته اند که هر گونه تغییر در یکی از آنها باعث تغییر قابل پیشبینی در دیگری گردد. نکته مهم اینجاست که این به هم وابستگی اقتصادی همواره منجر به تصادم منافع ملی میان کشورها می شود و نهایتا به سرکوب اقتصادی جهان سوم می انجامد. جنرال نارایانان برای حل این مشکل پیشنهاد ایجاد یک " ساختار فدرال چندپهلوی منطقه ای" را مطرح کرد که بنا بر آن هر کشور بخشی از حاکمیت اقتصادی، دیپلماتیک، سیاسی، دفاعی

و اجتماعی - سیاسی خود را بخاطر منفعت بزرگ منطقه ای واگذار می کند. این ساختار می تواند منطقه را به حیث یک پیکر متصل سازد. این ساختار ضمن تامین امنیت، تدابیر حمایتی ایجاد می کند که هر کشور خارجی برای وارد شدن به یک توافق با هر کشور درون این ساختار باید آنرا مد نظر گیرد. ایشان سخنرانی خود را با تذکر چهار ویژه گی که همچون ساختاری باید داشته باشد پایان داد: (۱) یک زیربنای ادغام شده و شبکه انرژی که ادغام اقتصادی را تسهیل نماید. (۲) یک زیر بنای داخلی برای ادغام قدرت اقتصادی، اجتماعی - اقتصادی و اجتماعی - سیاسی، (۳) یک توازن ادغام جئوپولیتیک و جئواستراتژیک و (۴) مدیریت مطلوب تجارت آزاد بین المللی و رژیم های چند پهلو.

سخنران سوم این نشست، داکتر جفری ای. ستاسی، در مورد بحران سیاسی فعلی کشورهای غربی و مشکلاتی که افغانستان با آن مواجه است سخنرانی کرد. " ما با مجموعه ای از تهدیدها مواجه هستیم: جنگ، تروریسم، جئوپولیتک، جهانی شدن، تهدیدهای سایبری، تغییرات جوی، سیل مهاجرین، رشد جمعیت، جنبش های جدایی طلب، بیماری های واگیر، ملی گرایی / عوامگرایی و فقدان مشروعیت دیموکراتیک. اکنون بار دیگر بازی بزرگ در افغانستان به راه افتاده است، یک بازی جدید نیز در غرب شروع شده که همچنان یک بازی منفی است. همانطور که می دانید طی دو سال اخیر یک موج دست راستی ملی گرایی، امریکایی شمالی و اروپا را درنوردیده است. این جریان قسما از بی جای شدن اقتصادی طبقه کارگر که منبعت از رقابت تجارت ادغام شده و بازارهای مالی است می گردد و همچنان به درجه کمتر، برخاسته از برخی دیدگاه های تبیض گرایانه نژادی است که بخشی از جمعیت به آن مبتلاست. عامل مهم دیگر، بحران رهبری در غرب است. ما می توانیم اتحادیه اروپا را به عنوان مثال برجسته آن در نظر بگیریم. البته اتحادیه اروپا دوام خواهد آورد، همانطور که دولت های ملی دوام خواهند آورد. سول این است که آیا آنها موفق خواهند شد یا خیر. رهبران اتحادیه اروپا در وظیفه خود ناکام شده اند، زیر نتوانسته اند با شهروندان خود درمورد اینکه واگذاری حاکمیت ملی چه مفادی برایشان خواهد داشت، صحبت کنند. این ناکامی فاجعه بار، بخشی از جریانات عوامگرایانه را سبب شده است؛ رای بریتانیایی ها برای ترک اتحادیه اروپا، انتخابات رئیس جمهور ترامپ در امریکا و قدرت گرفتن حزب ملی گرایی راست (AFD) در پارلمان آلمان، سه مورد عمده از جریانات ملی گرایی در اروپا می باشد که هر یک تبعاتی دارند. دولت های ملی دوام می آورند؛ سوال این است که آیا موفق خواهند بود؟

در رابطه به افغانستان، ایشان برخی از انکشافات مثبت اخیر را یادآوری کرد که ضرورت به توجه جدی دارند. " افزایش قدرت بخش های امنیت ملی، افزایش علاقمندی هند برای سرمایه گذاری در افغانستان و اعلام تعهد رئیس جمهور ترامپ به جانب افغانستان هر کدام موارد مثبتی است که باید از آن پاسداری شود. رئیس جمهور غنی و کابینه اش یک فرصت واقعی برای باز کردن در گفتگو با افغان ها به دست آورده اند تا برای گفتگو با طالبان آماده گی بگیرند. دولت افغانستان میتواند از فرصت استفاده کند تا توازن بالقوه درباره افغانستان بوجود آورد.

داکتر استیسی همچنان درمورد جریانات منفی - مانند قدرت گرفتن طالبان و کنترل تجارت مواد مخدر توسط ایشان، افزایش تلفات غیرنظامیان، و از سر شروع شدن بازی بزرگ، هشدار داد که در دراز مدت می توانند مشروعیت و موثریت دولت افغانستان را کاهش دهند. او بر ضرورت شناسایی منافع مشترک جهت اقدام مشترک تاکید نمود.

آخرین سخنران این نشست داکتر نصیر احمد اندیشه بود که در مورد امکان بقای دولت های دارای نهادهای ضعیف سخنرانی کرد. او گفت شواهد نشان می دهد که دولت های ملی قدرتمند در آینده دوام خواهند آورد، ولی در مورد اینکه آیا دولت های ضعیف نیز می توانند دوام آورند، تردید وجود دارد. " پروژه دولت سازی مدرن - خصوصا دولت سازی پنجاه سال گذشته و اوایل قرن حاضر،

زیادتر با پروژه دیموکراسی گره خورده است. اگر امیدوار باشیم که این پروژه همانطور که در مورد بعضی از کشورها پس از جنگ جهانی رهگشا بوده است، در مورد ما هم قابل تطبیق باشد، ما می توانیم شاهد تقویت دولت ملت ها باشیم. در قرن بیست و یک، دو دولت دیگر هم (کوزوو و سودان جنوبی) به جمع دولت های ملی زیاد شده اند؛ پس بر این اساس می گوییم که فضا برای زایش دولت-ملت ها وجود دارد. ولی سوال اساسی این است که آیا پروژه دیموکراسی سازی را به همین گونه که هست پیش ببریم یا باید بر آن تجدید نظر صورت بگیرد. چنانچه تذکر داده شد، دولت های ضعیف جدا در معرض تهدید قرار دارند. " او در جمع بندی سخنان اش با مرور یک چارچوب تئوریک گفت مهمترین تهدید علیه دولت های ضعیف " تنش میان قواعد غیر رسمی و نهادهای رسمی " می باشد.

پرسش و پاسخ

- شما چگونه می خواهید با کسانی - نظیر طالبان و القاعده، مذاکره کنید که در پی نابودی شما و دولت ملی هستند؟
- تاثیرات همه پرسی استقلال کردستان بر منطقه ما چیست؟

داکتر اندیشه در پاسخ به سوالات اظهار داشت: " حتی داعش ادعا می کند که یک دولت است. بنابر این، همچون گروه ها موجودیت نهاد ملت- دولت را تهدید نمی کنند. در رابطه با همه پرسی استقلال کردستان، این موضوع بیشتر بر کشورهای همسایه کردستان تاثیر دارد و الزاما منطقه ما را متاثر نمی سازد."

داکتر استاسی، در پاسخ به سوال اول گفت که برای حل مشکلات موجود، ما نیاز به تلاش های چند جانبه داریم.

دکتر عادل در توضیح بحث خود گفت با توجه به آنکه فعلا روابط دولت ها بیشتر اقتصاد محور شده و منافع اقتصادی اولویت پیدا کرده است، " دیدگاه نهادگرایان لیبرال می تواند ما را به همکاریهای بیشتر و کاهش تنش ها و منازعات بین المللی سوق بدهد.

ستر جنرال نارایانان، به توضیح برخی از نکات بحث خود پرداخت. " یک ساختار منطقه ای چه چیزی است؟ ساختارها از یک منطقه یا منطقه دیگر تفاوت می کنند. وقتی من از منطقه حرف می زنم، ما الزاما نباید به سراغ تعریفی که غربی ها از منطقه دارند، برویم. ما به حیث هویت های منطقه ای در آسیا، افریقا و امریکا باید خودمان تصمیم بگیریم که منطقه متشکل از چه عناصری باید باشد. مسئله مهم در هر منطقه - مانند آسیای جنوبی، این است که معمولا در هر منطقه یک کشور بسیار بزرگ وجود دارد که با تمام کشورها منطقه مرز دارد درحالی که کشورهای دیگر منطقه مرزهای همانند با آن کشور ندارند. بنا براین این سوال همیشه وجود دارد که آن کشور چه خواهد کرد. من پیشنهاد می کنم که کشورهای بزرگ یا متوسط باید در درون هر منطقه بصورت محوری منطقه ای عمل کنند تا توازن لازم به دست بیاید. سوال دیگر این است که این هدف در چه مدت به دست می آید. البته این فرایند وقت گیر است و یکشنبه اتفاق نمی افتد. ما باید از اتحادیه اروپا و آسه آن درس بگیریم و ببینیم که چه زمانی اقدامات بیش از حد ایشان مشکل ساز شده است. ما باید قدم به قدم پیش برویم. در مورد مسایل مهم مانند امور اقتصادی، تجاری، انرژی، امنیت، مسایل جوی و دیپلماسی باید منطقه تصمیم بگیرد و در باقی موارد دولت های ملی خودشان تصمیم بگیرند. هر گاه شما بخواهید از حد معین جلوتر بروید و یا سریع تر حرکت کنید، مشکل خلق می کنید.

مسئله دیگر چیزی است که به عنوان " رشد آسیا" از آن یاد می شود. در آسیا تنها برخی کشورها در حال رشد هستند، نه تمام آسیا. همچنان من با مفکوره جامعه بین الملل موافق نیستم. ما جوامع جداگانه هستیم که در فضای بین المللی زندگی می کنیم. جوامع

هر یک از خود اقتضائات دارند و بنا بر همان اقتضائات در صحنه بین المللی در پی تعامل و پیشرفت می باشند. از همین منظر است که من می گویم کشورهای ضعیف تر و کوچک تر مشکل دارند.

جلسه کاری سوم: دولت در اندیشه و عمل اسلامی: ایده آلیسم؛ واقع گرایی؛ ناامیدی



گرداننده :

خانم حمیرا ثاقب، رئیس خبرگزاری زنان افغانستان

سخنرانان:

- آقای علی امیری، استاد دانشگاه ابن سینا، کابل
- دوکتور سید حمزه صافی، استاد دانشگاه و رئیس انستیتوت مطالعات آینده جهان اسلام در تهران
- آقای محمد عثمان، معاون سردبیر روزنامه الاهرام در مصر
- پروفیسور مایکل بری از دانشگاه امریکایی افغانستان / دانشگاه پرینستون

خانم ثاقب با معرفی سخنرانان این نشست، در مقدمه بحث بر این موضوع تاکید کرد که جوامع مسلمان باید بتوانند دولت هایی را تاسیس کنند که تامین کننده عدالت اجتماعی به شمول تامین حقوق زنان باشد.

نخستین سخنران این نشست علی امیری بود که سخنرانی اش را با عنوان "امتناع دولت ملی در اسلام" ارائه کرد. "دولت ملی پدیده متأخر و به طور مشخص اروپایی است. قرن بیست، قرن صدور دولت های ملی از اروپا به سایر نقاط جهان بوده و اقوام مختلف هر کدام به درجاتی، در تطبیق تجربه اروپایی در فرهنگ و سرزمین شان کوشیده و قسماً به طور نسبی موفق بوده است. یکی از جوامعی که در تاسیس دولت ملی ناموفق بوده، جهان اسلام است. در جهان اسلام، دولت ملی ممتنع است.

دولت ملی در اسلام ممتنع است. این امتناع عقلی و فلسفی نیست، اما تاریخی و فرهنگی است و تا کنون به قوت خود باقی است. دلیلش آن است که شکل گیری و تحول دولت در اسلام هیچگاهی بر مفهوم ملت (nation) استوار نبوده است. مردمان مختلفی که در قلمرو اسلام با هم پیوند یافتند، در ضمن یک مفهوم عام به نام «امت» در یک دیگر ادغام شدند. در چارچوب امت دولت هایی شکل گرفته اند ولی هیچ یک از این دولت ها، دولت رفاه یا دولت ملی نبوده است.

نخستین دولت در اسلام، دولت مدینه است که به دست خود پیامبر تأسیس شد. دولت پیامبر، دولت دعوت بود. محمد یک دعوت دینی را مطرح کرد و این دعوت در مکه با مقاومت اجتماعی مواجه شد. ناگزیر بعد از هجرت به مدینه پیامبر یک سازمان حد اقلی را برای مدیریت امور مربوط به دعوت تأسیس کرد. اما بعد از وفات پیامبر، دولت خلفای راشدین، «دولت فتوحات» است. بعد از ختم دوران زمامداری خلفای راشدین، نظام سیاسی رایج در میان مسلمانان، همان نظام خلافتی است که به شکل خلافت اموی، خلافت عباسی، خلافت فاطمی و خلافت عثمانی تجربه شده است.

خلیفه به عنوان جانشین پیامبر در امور مادی و معنوی امت عمل می کند. خلیفه ملی وجود ندارد. .. در دوران جدید که نظام های کهن جهان اسلام از هم پاشید، باز هم مسلمانان برای تجدید نظام خلافت تلاش کردند و ما هیچ گونه نظریه پردازی برای تأسیس دولت ملی را در هیچ جای جهان اسلام شاهد نیستیم.

بعد از دوران استعمار که امپراطوری عثمانی تجزیه شد، پاره دولت های شبه ملی در سرزمین های اسلامی شکل گرفت، اما این کوشش ها چون در غیاب نظریه منقحی در باب دولت ملی بود، به دولت های خاندانی و استبدادی منجر شد. ناسیونالیسم ناقصی که به تقلید از ناسیونالیسم اروپایی در برخی جاهای جهان اسلام شکل گرفت، سبب تشکیل دولت ملی نگردید، بلکه سبب تحکیم استبداد خاندانی شد. لذا در قرن بیستم اگر برای بسیاری از دولت ها مسئله بقای دولت ها یک مسئله است، برای جهان اسلام شکل گیری دولت ملی مسئله اصلی است."

دومین سخنران این نشست دکتر حمزه صفوی، زیر عنوان "کالبدشکافی حکمرانی در منطقه و نسبت یابی آن با امنیت" صحبت کرد. "یک عده از اندیشمندان معتقد هستند که به دلیل جنگ های این منطقه، این منطقه نسبت به ممالک پیشرفته عقب مانده است. بنظر این سخن نیز ایراد دارد. چراکه از قرن هفدهم در اروپا تا ۱۹۴۶ اروپا هم دائم درگیر جنگ بوده است ولی در کنار جنگ در حال پیشرفت هم بوده است. پس جنگی که در منطقه وجود دارد به اعتقاد من علت العلل عقب ماندگی ما نیست.

گروه دیگر بحث نبودن ناسیونالیسم را مطرح می کنند که در این منطقه ناسیونالیسم شکل نگرفته است. بنظر میرسد مسئله ناسیونالیسم لزوما منجر به توسعه و پیشرفت نمی شود. همانطور که در جنگ جهانی اول و دوم همین ناسیونالیسم و افراط در آن منجر به همان فاجعه جهانی شده است. عده ای بحث دین را مطرح می کنند. می گویند اروپا پیشرفت کرد چون دین را کنار گذاشت. اینجا پیشرفت نکرده است چون دین را کنار نگذاشته است. با این نظر هم مخالفم. نفس دین بستگی به این دارد که شما چگونه آن را تفسیر کنید و به آن نگاه کنید. پس گمشده این منطقه چه چیز است؟ سه عامل در اینجا اهمیت دارد:

۱. عدم وفاق بین نخبگان با یکدیگر و نخبگان با مردم در جوامع آسیای غربی

۲. نبود سیستم ارزیابی

۳. عدم اولویت بندی مسایل

دکتر صفوی تاکید کرد که توسعه پایدار و حکومتداری خوب باید راهنمای حرکت نخبگان برای تغییر دادن وضعیت باشد. از این منظر می توان با استفاده از تجربه جهانی از عملکرد خود ارزیابی به عمل آورد. او در استدلال حرف خود این آیه قرآن را نقل کرد که "یستمعون القول و يتبعون احسنه ۱، مسلمان و مومن کسی است که اقوال مختلف را می شنود و بهترین آنها را انتخاب می کند."

"به عقیده بنده برای کاربست شاخص های جهانی حکومتداری خوب (به شمول مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، شکل گیری وفاق عمومی، حقوق عمومی و ..) در منطقه ما باید دو ملاحظه در نظر گرفته شود؛ یکی توجه به ویژگی های سنتی اقوام است و دوم ملاحظات دینی مردم. این دو تا اگر رعایت نشود، هر طرح و یا برنامه ای با مشکل مواجه می شود. ... من معتقدم که دولت ها و حکمرانی هایی که توسعه پیدا کنند و وجه التزام و چراغ راهنمای خود را توسعه پایدار بدانند، به امنیت نگاهی موسعتر خواهند داشت و سیاستگذاری آنها طول عمر بیشتری را در مقوله امنیت به همراه خواهد آورد. بنابراین نیاز است که نخبگان گرد هم آیند و برسر تعریف الگوی توسعه پایدار در سایه همکاری منطقه ای تشریح مساعی کنند و تعاریف را بهم نزدیک سازند. سپس به باز تعریف نقش و جایگاه منطفه در نظام بین الملل پرداخته مدل جدیدی از همکاری با نظام بین الملل در منطقه شکل گیرد مبتنی بر منافع همه ی بازیگران."

سومین سخنران این نشست آقای محمد عثمان تحت عنوان " ایجاد دولت در جهان اسلام و عرب؛ نشأت مصنوعی و تهدیدات وجودی" صحبت کرد. او در آغاز سخنرانی اش تاکید کرد که عامل اصلی مشکلات فعلی جهان عرب و کشورهای مسلمان، استعمار و نخبه گان بی فرهنگ می باشد. او با تذکر اینکه مفهوم ملت یک مفهوم جدید و ساخته غرب است، به مرور تاریخی ایجاد دولت ملت های جدید پرداخت. "کلمه دولت در زبان عربی معنای امروزی و شناخته شده آن را نداشت؛ در قاموس "لسان العرب" آمده است که: وطن عبارت از مکانی است که فرد در آن اقامت می گزیند. اگر در قاموس های زبان عربی در مورد کلمه ملت (قوم) جستجو کنیم، ملت عبارت از مردمی است که دارای خصوصیات مختص آن مردم بوده، آنها را از دیگران متمایز می سازد. اما کلمه "دولت-ملت" در استفاده غربی، اولین بار در زبان فرانسوی در رنسانس ظاهر شد.

آقای عثمان ابراز تاسف کرد که اگرچه اسلام مهمترین عامل اتحاد میان عرب ها بوده ولی دولت اسلامی نتوانست اتحاد میان مسلمانان را حفظ کند تا سرانجام دچار استعمار شد. "دولت اسلامی در مسیر تاریخی خود به سبب دوری از مبادی و اصول حاکمه خود دچار ضعف گردید و به دولت های کوچک تقسیم شد که آخرین نشانه های آن در دولت عثمانی قابل مشاهده است. تقسیم سرزمین های اسلامی به دولت های مختلف با استفاده از شعار "تفرقه بیانداز و حکومت کن" صورت گرفت... ملت گرایی کاملاً با اسلام در مغایرت قرار دارد. امروزه اسلام هیچ تمثیل کننده سیاسی در مقابل حکومت های اروپائی ندارد. در واقع مؤسسات غربی در کشورهای اسلامی بواسطه نخبه گان ملی حکومت می کند."

او در جمع بندی بحث خود به بررسی مشکلات مهم دولت های ملی عربی پرداخت. " مهمترین موانع در مقابل دولت، وجود فساد در ادارات مختلف، نبود دیموکراسی، شفافیت و حکومت عقلانی، بی ثباتی مؤسسات سیاسی، اداری و امنیتی می باشد... ارتباطات طبیعی در بین کشورهای عربی از بین رفته است یا در حال از بین رفتن است. عرب ها به جبهه های مختلف تبدیل شده اند... شورش ها -انقلاب نمی گوئیم- در بهبودی اوضاع کشورهای عربی ناکام ماندند. آنچه که در بعضی از کشورهای عربی اتفاق افتاد شورش مردمی

محض بود. اتحادیه عرب نتوانست مرجعی برای حل مشکلات باشد و این ناتوانی در بحران اخیر که بین قطر و چهار کشور عربی ایجاد شد واضح گردید. رؤیای اکثر جوانان عرب این است که به جستجوی زندگی بهتر از کشورهای شان خارج شوند!

سخنران آخر این نشست، پروفیسر مایکل بری بود که در سخنرانی اش بر اهمیت شهر هرات به حیث یک معبر تجاری و تمدنی در منطقه تاکید کرد. " آخرین باری که افغانستان کاملاً مستقل و ثروتمند بود چه وقت بود، زمانی که فرهنگ آن تحسین می شد و از هند تا ترکیه مورد تقلید قرار داشت؟ در دوران پادشاهی هرات، زمانی که پل مالان ساخته می شد." او از یک کارگذار پرتغالی شرکت هند شرقی که برای گزارش دهی به منطقه هرمز فرستاده شده بود نقل قول کرد که در گزارش خود نوشته است: " در ساحل هرمز، هر روز چهارهزار شتر با بار ابریشم از هرات می رسند. "

" ما از دورانی سخن می گوئیم که هرات قلب پیکر منطقه بود. به لحاظ جغرافیایی وقتی شما از فلات ایران می آید، ناگهان در برابر شما کوهستان مانند دیوار پدیدار میشود. شما در هرات متوقف می شوید و با گردش به دور کوهستان به آسیای مرکزی و چین می رسید. در دور دیگر کوهستان راه قندهار، کویت و قلمرو هند باز می شود. این وضعیت مترقی هرات بود. چه وقت این مسیر درون آسیای تجارت ناپدید شد؟ وقتی که قدرت های اروپایی، راه های اقیانوس هند را تصرف کردند، تمدن این بخش از جهان در مراکز شهری شروع به زوال کرد و به ورشکستگی اقتصادی انجامید. با زوال مراکز شهری شما شاهد ناپدید شدن سلسله های بزرگ و از بین رفتن هنرهای زیبا، فلسفه های وزین و دستاوردهای مهم جهان کهن می شوید. "

پروفیسر بری در رابطه با تاثیر اسلام در آن زمان، تذکر داد که اسلام صوفیانه امکان نظارت بر شاهان را فراهم می کرد. " من شما را به همین قلعه دعوت می کنم. در سال ۱۴۹۴، بهزاد نقاش به پیشنهاد جامی و میرعلی شاه نوایی - مشاورین معنوی سلطان، برای سلطان تصویری از این قلعه را کشید که به زودی باز تولید شد. بهزاد در نقاشی خود از قلعه هرات، شاه را پشت کرده به قلعه اش در حالت زانو زده به جانب غاری که محل زندگی یک صوفی است، نشان میدهد. این چیزی بود که سلطان خواسته بود بهزاد نقاشی کند. هر هفته سلطان به نزد صوفی می رفت تا از او نصیحت بشنود. در آن زمان، فرهنگی در جامعه رواج داشت که مرد صوفی (فقیر ترین باشنده قلمرو پادشاهی) می توانست به پادشاه در مورد کارهایش هشدار بدهد. "

پرسش و پاسخ

- مشکل جهان اسلام چیست و فرقه گرایی ها از کجا آمده است؟ حکومت های اسلامی چه نقشی در این زمینه دارند؟
- فرق حکومت اسلامی با حکومت ملی چیست؟
- آینده حکومتداری اسلامی به کجا منتهی می شود؟ آیا ما به طرف یک نظم حرکت میکنیم یا به طرف یک قهقرا؟
- در ایران صوفیه یکی از عوامل عقب مانده گی شمرده میشود، شما چگونه آنرا یک نیروی مثبت می شمارید؟
- جایگاه غیر مسلمانان در بین امت اسلامی چیست؟
- با توجه به آنکه در جهان اسلام از برادری اسلامی یاد می شود، جایگاه زنان در امت اسلامی چیست؟
- آیا جدا کردن دین از سیاست علت پیشرفت جوامع پیشرفته نیست؟
- آیا دلیل ضعف دولت ملی افغانستان نتیجه این واقعیت نیست که افغانستان هرگز مورد استعمار قرار نگرفته و ساختارهای پیشا استعماری آن تا امروز باقی مانده است؟

- با توجه به اهمیت روابط ایران و افغانستان، دولت امریکا چگونه می تواند از آن به حیث یک ظرفیت بالقوه برای خاتمه مناقشه در افغانستان استفاده کند؟
- دلیل عدم توافق نخبگان ما بر سر مفاهیم چیست؟ آیا مسئله ناشی از جدایی شرق و غرب و فقدان اعتماد به نفس ما می شود؟

علی امیری در پاسخ به سوالات تذکر داد: " ما حکومت اسلامی داریم؛ هم در متون داریم، هم در جامعه. بحث ما حکومت اسلامی نیست. بحث ما حکومت ملی است. ما در اسلام حکومت ملی نداریم. بحث ما بر سر تعریف حکومت اسلامی هم نیست. ما در طول تاریخ اسلام نظام های خلافتی داریم. به دلیل واضح، زیرا ما در اسلام ملت به معنای امروزی آن نداریم. نظام های مبتنی بر خلافت یعنی چی؟ خلافت در دوران اموی ها خلیفه الرسول معنی میدهد؛ یعنی جانشین پیامبر. ولی منصور عباسی - دومین و سومین خلیفه عباسی خود را خلیفه الله خواند. این خلیفه الله همان ترجمه پادشاه سایه خداوند بود که از نظام ساسانی منتقل شده بود در دنیای اسلام. خلیفه کسی است که جانشین خداوند است و حتی اگر او امنیت را هم تامین نکند، مطاع است. شما به این نینید که پای اسب کسی در مسیر کدام کاروان شکسته و مثلا او از خلیفه تاوان گرفته است، بلکه به این توجه کنید که همان خلافت، لشکرهایی از مردم آسیای مرکزی را برده ساخته و فروخته است. وقتی که در دوران عمر بن عبدالعزیز، مردم خواستند مسلمان شوند، اکثر عمال خلیفه منع کردند؛ چرا که در صورت مسلمان شدن مردم آنها دیگر جزیه نمی دادند. آن دولت، دولت امنیت نبود، دولت رفاه هم نبود. دولت خلافت رضایت مردم را ندارد، بخاطر اینکه مردمی وجود ندارد. مردم امت است و امت باید از خدا اطاعت کند و اطاعت از خدا هم به شکل مطابعت از احکام دین شکل میگیرد؛ خلیفه مرجع دینی هست.

آشفتگی در جهان اسلام از آنجا ناشی می شود که ما خود را جزو امت اسلام میدانیم. یعنی وفاداری به ملت وجود ندارد، بلکه وفاداری به یک مفهوم کلان به نام امت وجود دارد. آنچه به نام ناسیونالیسم در افغانستان وجود دارد، ناسیونالیسم نیست بلکه قوم محوری است. ما بر مبنای قوم محوری می خواهیم دولت بسازیم و این غلط است. در افغانستان ناسیونالیسم بوجود نیامده است زیرا ما هیچ نظریه ملت نداریم. دولت ملی در سرشت خود دولت های سکولار است. ضد دینی نیست، اما دینی هم نیست. پایه اش به ملت میرسد نه به خدا و نه به متون مقدس."

پروفسر بری در پاسخ به سوالات گفت: " یک ویژه گی مهم ملی گرایی " همدردی " یا " همدلی " است؛ مانند دردی که همه شما در اینجا از چهل سال جنگ احساس می کنید. از روی همین درد است که می گوئید ما سرنوشت مشترک داریم. این شما را نسبت به دیگران که این درد را ندارند، " داخلی " و ایشان را " خارجی " می سازد.

در رابطه به ایران ما باید بدانیم که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب اسلامگرایانه بود. هدف این انقلاب، دفاع از ایران و یا دفاع از شیعیان نبود. ایران دو اشتباه بزرگ مرتکب شد که ما هنوز از تبعات آن رنج می بریم. اشتباه اولش این بود که خواهان براندازی دولت عربستان سعودی شد؛ آنرا نامشروع خواند و گفت که لیاقت حفظ امکان مقدس را ندارد. زمانی که یک گروه رادیکال، مسجد بزرگ مکه را تصرف کرد، دولت تهران از آن اقدام حمایت نمود. این اشتباهی بود که عربستان سعودی هرگز نبخشیده است. اشتباه دیگر ایران راه اندازه تظاهرات ها با شعار " مرگ بر امریکا " بود. شما که در مورد ملی گرایی حرف می زنید، هیچ وقت نباید در تظاهرات خود خواهان مرگ یک ملت شوید. شما می توانید بر ضد یک دولت شعار بدهید؛ این منصفانه است. اما هرگز شعار مرگ بر یک کشور سر ندهید. زیرا مردم امریکا که مثل دیگران می خواهند زندگی خوب داشته باشند، احساس کردند که این شعار یک حمله مستقیم بر ایشان است. ایران این دو قدرت را عصبانی کرد تا بر ضد ایران متحد شده و به هر طریق در پی محدود کردن نفوذ

ایران باشند. حالا، اگر ایران بخواهد یک موضع اسلامی بگیرد- مثلا برای حمایت از فلسطین یا هر موضوع دیگر، عربستان سعودی تحریک می شود که علیه ایران برخیزد و ایرانی ها و شیعیان را کافر بخواند. در نتیجه این رویکرد ایران، ما شاهد بوجود آمدن دشمنی میان شیعه و سنی بودیم که در سه صد سال گذشته بی سابقه بوده است. در هر جامعه ای که جمعیت هایی از شیعیان و سنی ها زندگی می کنند، در آن جامعه گسست اجتماعی وجود دارد؛ عراق، سوریه، یمن و بحرین، همه دچار گسست اجتماعی هستند. تنها پاکستان و افغانستان برکنار مانده اند. افغان ها مسئولیت بزرگی دارند تا نشان دهند که نظام، جامعه و تمدن آنها منصفانه است. ما در اینجا نباید به تنفر فرقه ای مجال بدهیم. من خودم خواهان برقرار سازی روابط خوب میان ایالات متحده امریکا و ایران هستم. من فکر می کنم این برای صلح جهانی و بویژه برای صلح در این منطقه ضروری است."

آقای عثمان در پاسخ به سوالات اظهار داشت: " شما باید اعمال دولت ها را از موازین اسلامی جدا کنید. زیرا دولت هایی که ادعای اسلامی بودن داشته اند، عمل شان مطابق به موازین اسلام نبوده است. نکته دوم در مورد مداخله خارجی است. من فکر می کنم که افغانستان مثال بارز کشوری است که در اثر مداخله قدرت های خارجی- به شمول بریتانیا، اتحادیه جماهیر شوروی و اخیرا امریکا و متحدان غربی اش، دچار ویرانی و تباهی گشته است. اگر از آغاز افغانستان به حال خودش رها می شد و هدف مداخلات قرار نمی گرفت، وضعیت آن بهتر می بود و ما حالا یک افغانستان مترقی می داشتیم. امیدواریم یک روز این اتفاق بیافتد."

دکتر صفوی در پاسخ به سوالات گفت: " اینک دین و سیاست می توانند یکجا باشند، همانطور که گفتم بستگی به تعریفی دارد که شما از دین می کنید. در اسلام خیلی دقیق مشخص شده است که حکومت و مردم نسبت به هم حقوق دو طرفه ای دارند. نکته دیگر حدیثی است از یکی از بزرگان اسلامی که می گوید "طوری برای دنیای تان کار کنید که گویی تا ابد زنده اید و طوری برای آخرت تان کار کنید که انگار قرار است همین حالا بمیرید." در این گفته یک پیامی برای حاکم اسلامی وجود دارد که همانا مفهوم توسعه است. کسی که باورش این باشد که قرار است این مملکت تا ابد باشد، آنرا خوب می سازد. من معتقدم که تعریفی که ما از اسلام می کنیم تناسب داشته باشد با توسعه پایدار. دولت غیر اسلامی در این منطقه کار نمی کند. شما اگر به زور سعی کنید سکولاریزم را در این منطقه ترویج کنید، نتیجه اش تحریک بیشتر در صفوف طالبان خواهد بود. در رابطه با انتقاد آقای بری، من به شخصه با جمله " مرگ بر امریکا" موافق نیستم. ولی اگر شما به آن مقطعی که منجر به انقلاب ایران شد ببینید، مردم ایران از حس حقارتی که امریکایی ها بر سر مردم ایران آورده بودند، منزجر شده بودند. مردم ایران ناراحت بودند که تحت فشار و تبعیض قرار داشته می گیرند. همین رویکرد توسط رئیس جمهور ترامپ تکرار می شود. من نگران هستم که اینگونه رویکردها منجر به حرکت های افراطی خواهد شد.

در مورد علت اینکه چرا نخبگان بر سر مفاهیم با هم توافق ندارند چند دلیل مهم وجود دارد: یکی اینکه ما در این منطقه با کمبود فرهنگ تساهل و تسامح مواجه هستیم. دوم وظیفه گرایی به جای نتیجه گرایی، سوم فردگرایی در مقابل جمع گرایی و چهارم نهادسازی ضعیف است که مانع توافق نخبگان بر سر مفاهیم می شود."



گرداننده :

دوکتور شاکتی سینها، محقق و مسئول موزیم کتابخانه یادبود نهر، هند

سخنرانان:

- دوکتور مجیب رحیمی، محقق و سخنگوی دفتر ریاست اجرایی، افغانستان
- دوکتور تیمور شاران، محقق و معاون رئیس اداره مستقل ارگان های محلی، افغانستان
- آقای کاوون کاکر، وکیل و مدیر همکاری شرکت کاکر، افغانستان
- پروفیسور توماس جانسون، محقق برجسته امریکایی از مکتب تحصیلات عالی، نیروی دریایی امریکا
- آقای جیمز آرم سترانگ، مشاور سیاسی نماینده گی ارشد سیاسی ناتو

داکتر سینها سخنرانان نشست را معرفی کرده و ورود آنها را به بحث خوشامدید گفت. او در سخنان مقدماتی اش تاکید کرد که ثبات تنها از طریق مشارکت سیاسی تضمین می شود. "در نهایت، ثبات نتیجه حس مشارکت است. خدمات رسانی یک وظیفه مهم دولت است، اما با دولت برابر نمی شود. مشروعیت یک دولت نهایتا از احساس تعلق به یک هویت - تخلیلی یا انواع دیگر آن، پدید می آید. بنا براین، شما نیاز به احساس رضایت از انتخابات دارید و اینکه رای دهنده گان با نماینده گان منتخب رابطه مثبت برقرار کنند. مقامات منتخب باید در قالب هر نوع نظام سیاسی که دولت دارد پاسخگو باشند. پاسخگویی را همچنان دوره ای بودن مدت خدمت تضمین می کند. انحصار قدرت در هیچ جای مقبولیت ندارد. شما نمی خواهید صرفا گروه نخبه گان جایگزین یکدیگر شوند، بلکه در پی گسترش دایره نخبگان هستید تا مردم بتوانند در سطوح مختلف به نظام راه پیدا کنند. این نهایتا همان دولت سازی است که هر جامعه باید خودش انجام دهد."

سخنران اول این نشست، داکتر رحیمی بحث خود را بر اساس مقاله دکتری خود درمورد "تاریخچه و منطق شکل گیری دولت افغانستان" ارائه کرد. "یافته های من نشان میدهد که گفتمانی که قدرت مسلط از افغانستان به دست می دهد بسیار یکسویه است

و بناء اگر ما می خواهیم درکی از خود در افغانستان داشته باشیم، باید آنرا بازنویسی کنیم تا به یک گفتمان متکثر و جامع دست یابیم." او سخنرانی اش را با پرداختن به مسئله طراحی قانون اساسی مناسب برای جامعه چند قومی و جنگ زده افغانستان ادامه داد. " نظامی که ما انتخاب کرده ایم، مبتنی بر الگوی امریکایی است؛ یک نظام ریاست جمهوری که بر انحصار قدرت تکیه دارد و مناسب جامعه چند قومی و جنگ زده افغانستان نیست. من طرفدار طراحی قانون اساسی برای افزایش جامعیت سیاسی و برپایی نظام پارلمانی هستیم تا نظام دیموکراتیک تحکیم پیدا کند و همزمان فضای بیشتر برای تامین نماینده گی سیاسی فراهم گردد. " داکتر رحیمی در جمع بندی سخنرانی خود تاکید کرد که " مهمترین مسئله مشروعیت نظام در افغانستان فعلا بستگی به اصلاحات دارد؛ مخصوصا در حوزه اصلاح نظام انتخاباتی و تعدیل قانون اساسی. او با ارائه معلومات مختصر در مورد چگونگی شکل گیری حکومت وحدت ملی، تذکر داد که فعلا دو جبهه رقیب برای شکل گیری نظام سیاسی افغانستان با هم رقابت می کنند. " جبهه اول طرفدار تمرکز زدایی و ایجاد یک جامعه متکثر مبتنی بر جامعیت گسترده تر است و جبهه دوم طرفدار تمرکزگرایی بیشتر دلت و احیای تاریخ گذشته افغانستان می باشد."

سخنران دوم این نشست، داکتر شاران بود که در سخنرانی خود با استفاده از مقوله " دولت شبکه ای " جنبه های عملی فرایند دولت سازی در افغانستان را مورد تحلیل قرار داد. " آنچه ما در افغانستان داریم یک دولت شبکه ای است که ریشه در دولت احمد شاه درانی دارد. بنا بر بنیادی که احمد شاه درانی گذاشت، ما شاهد تحول شبکه های سیاسی هستیم که فرایند دولت سازی در افغانستان را شکل داده است. در جریان روند دولت سازی پس از کنفرانس بن، " شبکه های جهادی گذشته برای تسخیر بخش های استراتژیک دولت افغانستان پا به میدان گذاشتند؛ هم در عرصه نظامی و هم در حوزه بیروکراتیک. ما اکنون شاهد رقابت میان نخبگان سیاسی از غرب برگشته و جهادی های سابق که یک زمان در قدرت بودند و حالا خودشان را در حال حذف شدن می بینند، می باشیم. شبکه های سیاسی ساختارهای متمایز سلسه مراتبی و مرکب هستند که اعضایشان قدرت و منابع خود را از طرق غیر رسمی بنا بر معاملات دایما زیر مذاکره، با یکدیگر شریک می سازند. در لحظه های حساس رقابت مانند انتخابات سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴، ما پدیدار شدن ائتلاف شبکه های مختلف (که من آنرا " تمام شبکه " می نامم) را ملاحظه می کنیم. در حال حاضر، مذاکرات و معاملات میان شبکه های سیاسی مختلف (که من آنرا " شبکه های منفرد می نامم) که هر یک منابع مشروعیت خاص خود را دارند، جریان دارد. اما آنها واقعا به هم وابسته هستند. " بنا به گفته ایشان، شبکه های سیاسی برای حفظ خودشان سه راهکار عمده دارند: (۱) روابط ارباب رعیتی گسترده، (۲) کنترل بخش هایی از اقتصادی به شیوه های اجاره ای و غیر قانونی، و (۳) بسیج مردم از طریق سیاسی کردن هویت ها؛ نه تنها هویت های قومی، بلکه همچنان هویت های قبیله ای، منطقه ای و هویت های خانواده گی و مانند آن. " او در جمع بندی سخنرانی خود تاکید کرد که " نکته مهم اینجاست که ما باید چگونگی رقابت میان نخبگان ملی و محلی را در شکل گیری دولت سازی در افغانستان درک کنیم."

سخنران سوم این نشست، کاوون کاکر درمورد ارزیابی خود از قوه مجریه دولت افغانستان بنا بر تحقیقی که اخیرا در این رابطه انجام داده است، سخنرانی کرد. او گفت اگر دولت افغانستان بنا بر شاخص های مشروعیت، انعطاف پذیری، پاسخگویی، موثریت و ثبات مورد سنجش قرار گیرد، معلوم می شود که نظام اجرایی موجود توانایی مدیریت وضعیت کشور را دارد. با این حال او تاکید کرد که برای حفظ این نظام، اصلاحات جزئی مانند تمرکززدایی از قدرت و زمینه سازی برای تقویت احزاب سیاسی، ضروری است. آقای کاکر استدلال کرد که نظام پارلمانی برای افغانستان مناسب نیست زیرا ظرفیت های لازم در کشور وجود ندارند. او پیشنهادات ذیل را برای اصلاح نظام سیاسی مطرح کرد: " موثریت نظام در صورتی که روند های تصمیم گیری مورد بازنگری قرار گیرند و موسسات در سطح ملی و محلی تقویت شوند، افزایش می یابد. نهادهای کلیدی دولت مانند کمیسیون خدمات ملکی یا کمیسیون مبارزه با فساد باید

در قانون اساسی تعریف گردند، طوری که ساختار، مشروعیت و موثریت آنها تقویت شود. برای تحکیم ثبات، تفویض صلاحیت تفسیر قانون اساسی به محکمه عالی باید با زبان روشن و صریح در قانون اساسی تذکر داده شود و در صورت تجدید نظر، صلاحیت تفسیر قانون اساسی باید به محکمه نو تاسیس محکمه قانون اساسی سپرده شود.

ایجاد فضایی که احزاب سیاسی مشروع بتوانند رشد کنند و کاندیدها تعلق حزبی خود را آزادانه بیان نمایند، می تواند به تقویت روند سیاسی بیانجامد و گزینه های قوه مجریه را افزایش دهد.

انتخابات ولسی جرگه باید به موقع برگزار شود تا عضویت اعضای این مجلس در لویه جرگه مشروعیت یابد. همچنان، انتخابات شورای ولسوالی باید برگزار گردد زیرا رؤسای این شوراها بخش قابل توجهی از اعضای لویه جرگه قانون اساسی را تشکیل می دهند. نگرانی ها در این باره وجود دارد که در صورت تشکیل لویه جرگه، مسایل هویتی و قومی و حقوق بنیادین در محور توجه قرار گیرد. بناء ضروری است که حدود مسایلی که در لویه جرگه مورد بحث قرار می گیرند، معین شود و محدود به مسایل مرتبط به ساختار قوه مجریه گردد.

سخنران چهارم این نشست کاری، پروفیسر توماس جانسون بود که سخنرانی اش را تحت عنوان "مشکلات ساختاری انتخابات افغانستان - تأثیرات رای دهی بر مبنای تعلقات قومی - زبانی و رای واحد غیر قابل انتقال" ایراد کرد. پروفیسر جانسون بر دو مشکل عمده ساختاری مرتبط با نظام انتخاباتی افغانستان تمرکز داشت. اول، الگوهای قومی - زبانی رای دهی؛ و دوم) رای واحد غیر قابل انتقال (SNTV). درحالی که مسایل مرتبط به تقلب نیز انتخابات را به چالش کشیده است، او تأکید کرد که اصلاح این دو مسئله ساختاری در نظام کنونی از اولویت برخوردار است. ایشان تذکر داد که الگوی حاکم در انتخابات افغانستان از سال ۲۰۰۴ به اینسو، رای دهی قسما قومی - زبانی بوده است. به زبان ساده، پشتون ها گرایش شدیدی به رای دادن به پشتون ها داشته اند، تاجیک ها برای تاجیک ها رای داده اند، هزاره ها به هزاره ها رای داده اند و ازبک ها برای ازبک ها و همچنان دیگر اقوام به نماینده گان قومی خود رای داده اند. پروفیسر جانسون گفت که این یافته ها حاصل تحقیق در مورد چند انتخابات افغانستان می باشد. نتایج انتخابات های مورد بررسی نشان می دهد که هیچ کاندیدی حمایت قابل توجهی از بیرون گروه قومی - زبانی خود به دست نیاورده است. بناء می توان نتیجه گرفت که انتخابات بیش از آنکه واقعا صورت گرفته باشد، جنبه سمبولیک داشته است. مثلا انتخابات ریاست جمهوری نتوانسته است جامعه گسسته افغانستان را در عقب یک کاندید بسیج کند. او در ادامه سخنرانی اش مشکلات و نقایص نظام رای دهی رای واحد غیر قابل انتقال را که فعلا در انتخابات ولسی جرگه مورد استفاده قرار می گیرد، بررسی کرد. برای مثال در سطح کابل، حاجی محمد محقق، کاندیدی که بیشترین آرا را به دست آورده تنها حدود ۳,۶٪ مجموع آرا را از خود کرده است، درحالی که ۲۱ تن از ۳۳ کاندید پیروز دیگر، با به دست آوردن کمتر از یک درصد آرا از حوزه رای دهی خود به ولسی جرگه راه پیدا کرده اند. او در جمع بندی سخنرانی اش گفت که یافته هایش نشان می دهد که انتخابات و در کل نظام انتخاباتی افغانستان از مشکلات ساختاری رنج می برد که نهایتا اعتبار و مشروعیت دولت کابل را ضایع می سازد.

سخنران آخر این نشست، آقای جیمز آرم سترانگ بود که در مورد نقش ناتو در افغانستان صحبت کرد. او در آغاز سخنرانی اش تأکید کرد که هدف اصلی ناتو در افغانستان این است که نگذارد این کشور به یک پایگاه امن برای تروریست ها تبدیل شود. ناتو در چارچوب وظیفوی قبلی اش در قالب آپساف به طور مستقیم در تامین امنیت دولت افغانستان و در میدان جنگ دخالت داشت. اما پس از سال ۲۰۱۴، در چارچوب ماموریت حمایت قاطع، وظیفه ناتو به تعلیم، مشاوره و کمک نیروهای امنیتی افغانستان متمرکز شد. آقای آرمسترانگ تأکید کرد که ناتو هیچ نییتی برای بازگشت به نقش جنگی نداشت. او از دو اقدام مهم دولت افغانستان در اصلاح بخش

امنیتی یادآور شد. اول اینکه قرار است تا سال ۲۰۲۰، یک سل نو از رهبران افغان در سمت های عالی رتبه نظامی توظیف شوند. دوم، در قسمت فساد، تاسیس مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد برلی رسیده گی به اتهامات و جرائم سنگین، دولت را قادر ساخته تا مقامات عالی رتبه دولتی - به مشمول مسئولین بخش امنیتی، را تحت تعقیب، تحقیق و محاکمه قضایی قرار دهند. ناتو برای کاهش فساد و تقویت حکومت ملکی، در بخش تهیه رهنمودها برای ترویج و تقویت حاکمیت قانون، سرمایه گذاری جدی کرده است. او در جمع بندی سخنرانی اش بر این نکته تاکید نمود که حمایت ناتو از بخش امنیتی افغانستان به معنای تکیه بر راه حل نظامی نیست. او همچنان بر اهمیت نقش دولت در تلاش ها جهت تامین آشتی و صلح تاکید کرد.

پرسش و پاسخ

- با در نظر داشت سه شاخص مشروعیت و ظرفیت و سلطه جویی ، افغانستان فعلا در کدام مرحله دولت سازی قرار دارد؟
- برای تامین انتخابات شفاف و عادلانه چه نوع اصلاحات انتخاباتی ضروری است؟
- چرا در آغاز آمدن به افغانستان، همکاران خارجی، به نفوس شماری اقدام نکردند تا انتخابات سالم در افغانستان برگزار می شد؟
- زنان افغانستان تا کی باید در انتظار اصلاحات در راستای تامین حقوق زنان باشند؟
- آیا فکر نمی کنید مشکل ما بی توجهی به قانون اساسی است؟
- ظاهرا ناتو در افغانستان ناکام شده است، چه باید کرد؟
- با توجه به مشکلات فعلی نظام انتخاباتی، آیا در آینده ما یک انتخابات تقلبی دیگر را تجربه خواهیم کرد؟
- شبکه های سیاسی افغان توانسته اند از هویت های قومی سوء استفاده کنند. برنامه دولت برای منزوی کردن و کاهش تاثیر این شبکه ها در جامعه چیست؟
- برای صلح کردن با طالبان، آیا تمرکز زدایی می تواند وضعیت را عادی بسازد؟

دکتر رحیمی در پاسخ سوالات اظهار داشت : " من با یافته های آقای تامس جانسون توافق دارم. واقعا یکی از دشواری های جدی افغانستان همین مسئله نظام انتخاباتی است. تا هنوز از اصلاحات در این زمینه جلوگیری شده است. من با بحث آقای کارم مخالف هستم، زیرا ایشان در پی تحکیم روایت رسمی قدرت می باشند. حالا هم جریان هایی که طرفدار انحصار قدرت در افغانستان هستند از این افکار حمایت می کنند. از لحاظ علمی دلایل قانع کننده ای وجود دارد که یک نظام پارلمانی برای دیموکراسی و رشد دیموکراسی به مراتب بهتر از یک نظام ریاستی است. اگر افغانستان یک جامعه همگون می بود ما مشکل نداشتیم و نوعیت نظام کدام تفاوتی نمی کرد. ولی در یک جامعه چند قومی یک نظام ریاستی انحصاری با یک برنده و چندین بازنده فاجعه بار است. در یک جامعه بعد از جنگ ما نیازمند بالا بردن میزان برنده ها هستیم. در افغانستان ما نیازمند ساختاری هستیم که زمینه شکل گیری ائتلاف های کلان را فراهم بکند و همه خود را در قدرت ببینند. فعلا دولت افغانستان بخاطر انحصار قدرت در بن بست قرار دارد. یک نفر صلاحیت دارد که تصمیم بگیرد. ما پیشنهاد مقررری ها را به یک ارگان روان می کنیم و آنها تصمیم می گیرند که کی مقرر شود و کی نشود. استدلال در مقابل نظام پارلمانی فقط این است که احزاب نیست اما شما اجازه ندادید احزاب شکل بگیرد .

در مورد قانون اساسی ما دچار تناقض هستیم. عملا قانون اساسی تعطیل است و کار نمیدهد. این قانون اساسی برای حل مشکلات افغانستان متاسفانه کارآمد نیست "

دکتر شاران در پاسخ به سوالات گفت: " غیرمتمرکز ساختن نظام سیاسی افغانستان یک بحث جالب است که ما فعلا در دولت روی آن کار می کنیم. ما فعلا برسر پالیسی حکومتداری محلی کار می کنیم که یک پالیسی بسیار جامع است که به ما اجازه میدهد به طور تدریجی برویم به طرف یک نظام غیر متمرکز در افغانستان. توسط این پالیسی ما می خواهیم مسئله نماینده گی سیاسی و مشارکت سیاسی را حل کنیم و بتوانیم منازعات محلی را حل کنیم. منازعه قبیله ای در ارزگان که سال گذشته تقریبا به سقوط شهر ترینکوت انجامید نباید دوباره اتفاق بیافتد. ما در پی افزایش صلاحیت مردم برای انتخابات نماینده های محلی شان هستیم. ما باور داریم که هر پیشنهاد ما باید بنا بر ساختارهای سیاسی و اجتماعی افغانی باشد. نظام جرگه و شوراها در افغانستان جواب میدهد. آیا امکان این هست که هر چهار سال بعد، جرگه ای در سطح ولایات داشته باشیم تا نماینده های مردم بیایند و والی خود را انتخاب کنند؟ ما در مورد این گونه سوال ها فکر می کنیم اما این سوالات سیاسی است. آیا آماده گی اش وجود دارد؟ این ها بحث هایی است که ما در موردش کار می کنیم تا در آینده بتوانیم صلاحیت های بیشتر به والی و ولسوالی خود بدهیم .

ما باید در مورد بحث قومی مراقب باشیم. اگر ما زیاد بحث قومی را مطرح کنیم، در آخر روز سررشته کار را به دست سیاستمداران سنی و قبیله ای خود میدهیم که می توانند از آن به عنوان یک ابزار استفاده کنند. ما باید در این مورد جدی تر کار کنیم و آنرا فقط به دوره انتخابات محدود نسازیم ."

آقای کاکر در پاسخ به سوالات، اظهار داشت: " تلاش می شود که بحث دو قطبی شود که در یک طرف انحصار گرا قرار دارد و در طرف دیگر دیموکرات. فکر می کنم ما باید از این بحث قطبی عمیق تر برویم. خود نظام سیاسی به این اندازه هم اهمیت ندارد. نظام ریاستی در امریکا هم هست و در ونزوئلا هم هست. نظام پارلمانی در بریتانیا هم هست و در عراق هم اخیرا آمده است. اما بین آنها چقدر فرق است. در نظام سیاسی ما باید معیار عمل داشته باشیم. لازم نیست که همه مردم خود را در آن ببینند. آیا این امکان دارد؟ این بحث عمیق تر لازم دارد. ما نباید بحث را دو قطبی بکنیم .

در مورد انتخابات آینده، متأسفانه من مطمئن نیستم که انتخابات آینده بهتر از گذشته باشد. نگرانی های جدی وجود دارد. اولین نگرانی این است که کمیسیون انتخابات اعتبار خودش را از دست داده است. چگونه می تواند اعتبار آن را بازسازی کرد؟ خدمت در کمیسیون انتخابات باید یک شغل افتخاری باشد و کسانی به انجام آن گماشته شوند که از حیثیت عالی برخوردار بوده و با وعده پول و مقرر شدن در سمت وزارت و مانند آن، زیر فشار قرار نمی گیرند. ما اینطور می توانیم اعتبار کمیسیون انتخابات را بنا کنیم.

در موضوع تمرکززدایی، دادن اختیارات و صلاحیت ها به اداره محلی خوب است، اما این پیشنهاد که والی ها بنا به انتخابات تعیین شوند، در وضعیتی که دخالت های خارجی در کشور بسیار است، می تواند مشکل ساز گردد.

در مورد نظام پارلمانی، ما می دانیم که احزاب ملی نداریم. من فکر می کنم مشکل فقط از طریق قانون انتخابات یا دادن چوکی های پارلمان به احزاب حل نمی شود. آیا ما حق نداریم از احزاب بخواهیم مسئولانه عمل کنند؟ آیا ما حق نداریم از احزاب بخواهیم که انتخابات درونی برگزار کنند؟ آیا ما هیچ کدام حزب سیاسی که بتواند دولت تشکیل دهد در افغانستان داریم؟ نخیر."

پروفسر جانسون در پاسخ به سوالات اظهار داشت: " من خواستار کامیابی افغانستان هستیم. برای من کشف این نکته جالب بوده که در افغانستان، در سطوح محلی افغانها قرن هاست که بنا بر اجماع، دیموکراسی خالص یونانی را تمرین می کنند. من فکر می کنم ایالات متحده امریکا در اینجا خطا کرده است. ما تلاش کردیم بنا به نقش راهی که از کنفرانس بن بیرون آمد، یک دیموکراسی کوچک

" جفرسونی " در افغانستان بسازیم. امریکایی ها شدیداً جاهل هستند؛ آنها فکر می کنند چیزی که برای ما کارآمد بوده برای شما نیز کارآمد است. من موافقم که بسیاری از مشکلات ریشه امریکایی داشته است.

در مورد سرشماری، مالیات دهنده گان امریکایی در سال ۲۰۰۴، بیست و پنج میلیون دالر به دولت کرسی دادند تا او سرشماری انجام دهد، اما او قبول نکرد. زیرا به نظر من او می ترسید که سرشماری معلوم کند که پشتون ها تنها ۴۲٪ جمعیت دارند.

اما در مورد نظام انتخاباتی، شما باید از رای واحد غیر قابل انتقال دست بردارید، یا آنکه در ساحه ولایات حوزه های انتخاباتی ایجاد کنید. نظام انتخاباتی موجود روند انتخاباتی شما را ضایع می کند."

آقای آرم سترانگ در پاسخ به سوال اول، تاکید کرد " ما به اختیار جامعه بین المللی اینجا هستیم. ما متکی به دولت افغانستان و جامعه بین المللی برای حمایت اصلاحات اساسی در دولت افغانستان اینجا کار می کنیم. مسایل زیادی را شما مطرح کردید که واقعا از ساحه توانایی و نفوذ ناتو خارج است."

جلسه کاری پنجم: دولت دیموکراتیک؛ جامعه دیموکراتیک؛ آینده دیموکراسی



گرداننده :

خانم شهرزاد اکبر، فعال برجسته حقوق بشر و حقوق زنان/ عضو موسس افغانستان ۱۴۰۰

سخنرانان:

- ناهید فرید، عضو پارلمان، مجلس نماینده گان افغانستان
- آقای کبیر صالحی، محقق، مطالعات اسلامی، افغانستان
- آقای سلیا مژار اخمت ژارو، محقق انستیتوت مطالعات استراتژیک قزاقستان زیر نظر رئیس جمهور قزاقستان
- آقای محمد نعیم ایوب زاده، رئیس بنیاد انتخابات شفاف و عادلانه افغانستان

خانم اکبر ضمن خوشامدگویی به اشتراک کننده گان همایش، با معرفی موضوع بحث، از سخنرانان خواست تا دیدگاه های شان را در مورد مفکوره " دیموکراسی " در میان بگذارند.

اولین سخنران نشست، خانم ناهید فرید، سخنرانی اش را زیر عنوان " نقش زنان در دولت سازی " ارائه کرد. او تاکید کرد که " هویت ملی متشکل از تفاوت ها، اختلاط نژادها، قومیت ها، مذاهب و جنسیت های مختلف است که ارزش های ملی مشابه را در یک اجتماع فرضی به نام ملت، شریک می شوند." او با اشاره به برخی تئوری ها در زمینه دولت سازی، از نقش زنان افغان در تاریخ معاصر دولت افغانستان یادآوری کرد. " در هفده سال گذشته، بسیاری از سیاستگذاران و نهادهای انکشافی، از این نگران بودند که تلاش برای افزایش نقش زنان در دولت سازی می تواند به بی ثباتی دامن بزند. این درحالی است که معلومات و شواهدی که من دارم، خلاف این را نشان میدهد. تجربه ما نشان میدهد که نقشی که زنان اخیرا در فعالیت های بازسازی انجام داده اند، چشم گیر است و تاثیر آن بر جامعه جنگ زده مثال زدنی است. .. زنان رای داده اند، دادخواهی کرده اند، در سمت های دولتی در نقش والی و وزیر ایفای وظیفه نموده اند، در مبارزه با فساد فعال بوده اند و به نیروهای امنیتی افغانستان - حتی در مناطق ناامن، پیوسته اند. بررسی من حاکی است که افغان ها به طور کل از مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان حمایت می کنند." ایشان برای بهبود نقش زنان در دولت سازی پیشنهادات ذیل را مطرح کرد:

۱. دولت سازان باید برای آشتی دادن ارزش های سنتی با مفکوره های ترقی خواهانه به شمول مشارکت زنان در جامعه کار کنند.
۲. کشورها باید در تلاش های دولت سازی، از ابتدا تاکید بیشتری بر امنیت انسانی داشته باشند.
۳. رهبران باید حکومت را بر اساس اصل برابری و حاکمیت قانون بنا نهند و زنان را در فعالیت های ابتدایی بازسازی اقتصادی شریک سازند.
۴. گفتمان های دولت سازی که نقش زنان را به حیث مادران و مدافین فرهنگ و ارزش های ملی ارج می گذارند، باید در هر اقدام دولت افغانستان به طور بنیادین مد نظر گرفته شوند.
۵. برای آنکه ملت ها برقرار بمانند، هویت ملی باید بنا بر ساختار جامع الشمول شکل بگیرند.

سخنران دوم این نشست آقای کبیر صالحی پیرامون موضع گیری گفتمان های معاصر اسلامی در برابر مسئله دیموکراسی صحبت کرد. ایشان گفت موضع گیری های جریان های اسلامی معاصر متفاوت هستند اما به طور کل در سه رویکرد قابل تقسیم بندی می باشند. " اولین رویکرد، نكوهش تمام عیار پدیده دیموکراسی است. این رویکرد معتقد است که دیموکراسی یکسره مردود است. یک نظام کفرآمیز است و در روشنی ارزش های اسلامی نمی توان هیچ گونه جایگاهی برای دیموکراسی قایل شویم. عموم اسلامگرایان رادیکال به این رویکرد گرایش دارند. گروه های مثل حزب التحریر، داعش و تمامی سلفی های جهادی به این رویکرد گرایش دارند... آنها می گویند که یگانه نظام سیاسی مشروع در اسلام خلافت است و هر نظام دیگر که متفاوت با نظام خلافت باشد از دایره اسلام خارج است. رویکرد دیگر که من نامش را گذاشته ام " رویکرد سازش و گزینش " تاکید می کند که ما نمی توانیم دیموکراسی را یکسره مردود بشماریم. در آن عناصر مثبتی هم وجود دارد و عناصر منفی هم وجود دارد. ما عموم اسلامگرایان اصلاح طلب را در این جبهه می بینیم. طرح آنها این است که ما باید دیموکراسی را مورد بازاندیشی و تعدیل قرار بدهیم، به نحوی که با ارزش های اسلامی سازگار باشد. ما وقتی به آثار مودودی نگاه می کنیم می بینیم که او از "تئو دیموکراسی" یا دیموکراسی الهی سخن می گوید. یا شریعتی از "دیموکراسی متعهد" نام می برد. دیگران میگویند ما باید یک حکومت دینی شورا بنیاد بنا کنیم. مشکل عمده این رویکرد این است که به الزامات و اقتضانات دیموکراسی - از قبیل حقوق زن، حقوق بشر، حقوق شهروندی، عدالت و آزادی وفادار نیست. اگر

به حکومت پسا طالبان ما نگاه کنید می بینید که ما به نحوی همین نهج را پیمودیم؛ یعنی تلاش کردیم که بین اسلام و بین دیموکراسی پیوند بزنیم. قانون اساسی ما از یکسو در دیپاچه اش بر اصول دیموکراسی تاکید می کند و از سویی در ماده سوم خود می گوید که هیچ قانونی نمی تواند خلاف معتقدات مقدس اسلامی باشد. از همین رهگذر است که ما نتوانسته ایم از بحران دیموکراتیزه کردن عبور کنیم. قوانینی که آقای کرزی وضع کرد عموماً متناقض است. شما بیاید به قانون منع خشونت نگاه کنید و در عین حال به قانون احوال شخصیه اهل تشیع که هر دو در یک روز توشیح و تصویب شده است، ولی از موضع مختلف به صورت تناقض آمیز.

رویگرد سوم، رویگرد پذیرش و گسترش دیموکراسی است. در این رویکرد گفته می شود که اگر ما به تجربه سیاسی بشر در طول تاریخ نگاه بکنیم می بینیم که موفق ترین تجربه سیاسی بشر، تجربه دیموکراسی بوده است. به همین خاطر ما باید تلاش بکنیم که دیموکراسی را با همه اقتضات و استلزامات آن بپذیریم و در راستای بسط و گسترش آن تلاش بکنیم. عموم نو اندیشان دینی - مانند عابد جابری و عبدالکریم سروش، به این باور هستند. آنها سه راهکار ارائه می کنند به شمول راهکار تاویل، تعدیل و تعطیل. در تاویل گفته می شود که ما باید برخی از آموزه های دینی - مثل قطع ید سارق، را مورد باز تفسیر قرار بدهیم، در تعدیل گفته می شود ما باید برخی آموزه های دینی - مانند تفاوت ارث زن و مرد در قرآن، را تعدیل بکنیم تا به مساوات برسیم. بعضی از آموزه ها هم - مانند قتل مرتد، باید تعطیل شوند. اینکه چقدر این عملی است یا نیست یک بحث طولانی است. من فکر می کنم که تا زمانی که ما نتوانیم به این قرائت پایبند شویم، تحکیم دیموکراسی در جهان اسلام محال است و اصلاً امکان ندارد. " آقای صالحی در جمع بندی خود هشدار داد که در برابر دیموکراتیزه شدن دو مانع عمده داخلی و خارجی وجود دارد. " مانع خارجی این است که به باور من غربی ها نمی خواهند که در جهان اسلام پروژه دیموکراتیزه کردن به موفقیت بیانجامد، چونکه اسلام رادیکال همیشه منافع غربی ها را در کشورهای مختلف از جمله افغانستان تامین کرده است."

سخنران سوم این نشست آقای محمد نعیم ایوب زاده، در مورد نظام انتخاباتی افغانستان و میزان کارایی آن سخنرانی کرد. او در آغاز سخنرانی اش عملکرد دولت های ملی در جهان سوم را به لحاظ میزان دیموکراتیک بودن شان به پرسش گرفت. به گفته ایشان بحران مشروعیت دولت ها در جهان سوم یکی از مسایل اصلی آنهاست. " اگر ما دولت های دیموکراتیک را با نظام های کمونیستی مقایسه کنیم، در گذشته ها نظام کمونیستی یک شعار داشت برای مردمش؛ می گفت که " هیچ چیز نگو، هر چیز برایت میدهم. " اما دیموکراسی امروزی در کشورهای جهان سوم می گوید " هر چی بگو، هیچ چیز برایت نمی دهم. " این تصویر از دیموکراسی و دولت های دیموکراتیک خودش حاکی از آن است که مشروعیت مردمی نظام در آن سطحی نیست که برای ادامه یافتن آن امیدوار کننده باشد. بدبختانه در افغانستان ما دیموکراسی را از بالا آغاز کردیم. ما تلاش نکردیم جاده دو طرفه ای را ایجاد کنیم که مردم بتوانند با کسانی که در ساختارهای منتخب انتخاب می شوند مشوره کنند. یکی از ناکامی ها در افغانستان این بوده است که ما نتوانستیم انتخابات شورای ولسوالی و شاروالی ها را برگزار کنیم. اگر برگزار می شد افغانستان به این وضعیت نمی بود. مسئله دوم این بوده که ما مفهومی از دیموکراسی برای خود نداشتیم و هر آنچه از بیرون آمد را بدون در نظر داشت حساسیت های محلی قبول کردیم. بحث مهم دیگر این بوده که ما به جای آنکه ساختاری برخورد کنیم، فردگرایی داشتیم و بر حسب سلیقه های شخصی و ارز شهای قومی حرکت کردیم. این باعث شد که دیموکراسی گزینه خوب برای افغانستان نشود.

پیشنهادات ما چی است؟

دیموکراسی در اصل نظام بد نیست به شرط آنکه اصول اساسی اش مد نظر قرار داده شود. کار اول ما برای دیموکراسی این است که ما باید قانون احزاب سیاسی و قانون انتخابات را اصلاح کنیم. اگر این دو قانون اصلاح نشود، نه احزاب سیاسی دیموکراتیک به وجود می‌آیند و نه انتخابات سراسری، شفاف و آزاد و عادلانه در کشور قابل تطبیق است. مسئله دیگر ایجاد جاده طرفه میان مردم و کسانی که در حکومت هستند، می‌باشد. مسئله سوم اصلاح مدیریت سیاسی است. نباید مدیریت سیاسی فراقانونی باشد. بحث بسیار مهم دیگر تعدیل قانون اساسی است. در سال ۲۰۰۴ ما ظرفیت و دیدگاه متفاوت داشتیم. امروز آن ظرفیت‌ها تغییر کرده است، محیط تغییر کرده است و نیاز است که قانون اساسی به اساس واقعیت‌ها، نیازمندی‌ها و چالش‌های موجود تعدیل شود تا بتواند برای دیموکراسی امروزی در افغانستان پاسخگو باشد.

انتخابات امروز به یک امیدواری بسیار بزرگ تبدیل شده است. آیا ما آماده برگزاری انتخابات هستیم؟ بنا بر تحقیق ما، برای رفتن به انتخابات آینده ما با چند مشکل مواجه هستیم: اول، تا هنوز ساحه امن و ناامنی تشخیص نشده است. دوم، مشکل تعیین هویت رای دهنده گان هنوز برجای است. مشکل سوم، عدم اراده راسخ حکومت افغانستان است. زمان اصلا در نظر گرفته نمی‌شود که خودش حاکی از آن است که علاقمندی برای برپایی انتخابات وجود ندارد. ضعف نهادهای انتخاباتی به ویژه در سطح ولایات چالش جدی دیگر است. تا به حال هیچ آماده‌گی در این زمینه گرفته نشده است. در نظرسنجی اخیر ما این سوال از جمله پرسیم که به باور مردم ظرفیت نهادهای انتخاباتی در چه سطحی قرار دارد. جواب نشان می‌دهد که ۴۱٪ مردم باور ندارند که نهادهای انتخاباتی بتوانند انتخابات سال آینده را به گونه بهتر برگزار کنند. ۳۰٪ مردم اصلا نمی‌دانند که اصلا وضعیت از چه قرار است. ۲۹٪ به کمیسیون اعتماد نشان داده‌اند. در مورد بیطرفی حکومت در انتخابات، ۳۸٪ مردم باور دارند که حکومت در انتخابات مداخله می‌کند. ۲۵٪ گفته‌اند مداخله نمی‌کند. سوال سوم که پرسیده شده این بوده آیا مردم در انتخابات شرکت می‌کنند یا خیر. ۵۳٪ مردم گفته‌اند که در انتخابات آینده شرکت می‌کنند. این خودش یک نقطه بسیار مثبت است. در حالی که ما توقع نداشتیم. اما مردم برای اشتراک خود در انتخابات شرایط وضع کرده‌اند. آنها بر بیطرفی، استقلالیت و مسلکی بودن کمیسیون‌های انتخاباتی تاکید می‌کنند.

سخنران آخر این نشست کاری، آقای سلیم مژار اخصت ژارو، سخنرانی خود را زیر عنوان "نهاد شوراهای مردمی به عنوان راه موثر تمرکززدایی از قدرت در کشورهای دیموکراتیک" ارائه کرد. محور سخنرانی ایشان این بود که مشارکت شهروندان عادی در روند اداره عمومی برای هر کشور لازم و ضروری است. یکی از شیوه‌های مطلوب، تاسیس چارچوب‌ها برای مشوره دولت با جامعه پیرامون مسایل خاص می‌باشد. آقای اخصت ژارو تذکر داد که هدف شوراهای مردمی، مشارکت دادن جامعه مدنی در مشوره به بخش دولتی است. بنا بر اهداف شوراهای مردمی، آنها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ آنهایی که طیف گسترده از مسایل عمومی را مد نظر می‌گیرند و آنهایی که با مشکلات خاص که گروهی کوچک از مردم را متاثر می‌سازد، سروکار دارند. او تاکید نمود که می‌توان شوراهای مردمی را در سطح محلی و ملی تاسیس کرد. این شوراها از طریق برگزاری نشست‌های استماعیه منظم که در آن اعضای شورا مسایل مربوط به امور اقتصادی، اجتماعی، جوی و مانند آن را به بحث می‌گذارند، عمل می‌کنند. ایشان در جمع بندی سخنرانی اش به اقدامات ضروری برای تامین موفقیت شوراهای مردمی اشاره کرد. اول، باید مقامات دولتی علاقمندی داشته باشند تا نظر مردم را بپرسند. دوم، شوراهای مردمی باید به حیث چارچوبی در نظر گرفته شوند که در آن گروه‌های ذینفع جامعه برای تامین منافع شان با هم ملاقات می‌کنند. و سوم، شوراها باید در برابر مداخله و اعمال فشار دولت، مصئونیت حقوقی داشته باشند.

- اگر کشورهای غربی نمی خواهند در این کشور دیموکراسی پیاده شود، ما چگونه می توانیم هم ارزش های دینی خود را حفظ کنیم و هم از مزایای دیموکراسی برخوردار گردیم؟
- آیا تعریف واحدی از دیموکراسی وجود دارد؟ رویکرد دیموکرات ها نسبت به دین چیست؟
- نظر بنیاد انتخابات شفاف افغانستان به طور صریح در مورد میزان استقلالیت کمیسیون انتخابات چیست؟
- در جامعه افغانستان ظاهراً اسلامگرایی بسیار شدید است، اما مردم در زیر پوست جامعه شدیداً اسلام گریز هستند. راه حل شما برای این وضعیت چیست؟
- راه حل شما برای حضور موثر و غیر سمبولیک زنان در سیاست چیست؟
- تعامل و وفای دیموکراسی با حکومتداری در چند دهه آینده چگونه خواهد بود؟
- تغییر قانون اساسی بهتر است یا تغییر عملکرد ما برای احترام قانون؟

آقای صالحی در پاسخ به سوالات گفت: " ما وقتی به آموزه های دینی نگاه کنیم، می توانیم دو سطح از آموزه ها را از هم تفکیک کنیم؛ آموزه های ثابت و آموزه های متغیر. برداشت من این است که آن عده از آموزه هایی که برای تحکیم رابطه عمودی انسان با خدا آمده است، آموزه های ثابت دین است. و آن آموزه هایی که برای سازمان دهی رابطه افقی انسان ها با یکدیگر آمده است، احکام متغیر است. ما اگر با این احکام به این شکل تاریخمند و زمانمند برخورد کنیم می توانیم بین اسلام و دیموکراسی یک سازگاری ایجاد کنیم.

اما در رابطه به واژه دیموکراسی، من وقتی واژه دیموکراسی را به کار می برم، مطابق برداشت رایج به دیموکراسی لیبرال توجه دارم. انواع دیموکراسی وجود دارد اما گفتمان مسلط گفتمان لیبرال است. نکته دیگر این است که ما نمیتوانیم بین دیموکراسی به عنوان یک روش و به عنوان یک ارزش تفکیک قایل شویم. اگر ما محض به دیموکراسی به مثابه یک روش بپردازیم، دیموکراسی به یک شیر بی یال و دم و اشکم تبدیل می شود که از وادی دیکتاتوری، خودکامگی و تبعیض سردر می آورد. ارزش های دیموکراتیک است که وضعیت جامعه را به سازمان می سازد. شما جامعه ایران و حکومت ایران را در نظر بگیرید که نام مردمسالاری دینی را یدک می کشد ولی در آن اوج تبعیض علیه اقلیت های مذهبی مسلمان و غیر مسلمان، علیه زنان و حتی علیه شیعیانی که ولایت فقیه را قبول ندارند، اعمال می شود.

برای اصلاح کلی جامعه، ما نیاز به استراتژی کلان با مشارکت افشار مختلف جهان داریم. به نظر من اگر وضع به همین گونه باشد بین دیموکراسی و حکمرانی در دهه های آینده، تعامل امیدوار کننده وجود نخواهد داشت. هم اکنون نظر مردم به پارلمان و نهاد انتخابات بسیار منفی است."

آقای ایوبی زاده در پاسخ به سوالات اظهار داشت: " مشکل در بحث انتخابات مشکل سیاسی است. بحث تخنیکی در هر کشور هست. در هر انتخابات بحث ها و مشکلات تخنیکی وجود دارد اما در طول زمان یاد می گیرند که چگونه مشکلات فنی خود را مدیریت کنند. مشکل سیاسی پیچیده است و راه حل آن زحمت و اجماع ملی می طلبد. اما اینکه چرا باید قانون انتخابات و قانون احزاب سیاسی اصلاح شود، به نظر من اصلاح قانون یک قاعده است برای ساختارهایی مثل احزاب سیاسی و کمیسیون مستقل انتخابات. قانون رهنمود کارکرد هر اداره می تواند باشد. اگر ما اصلاح را از قانون آغاز نکنیم تغییر افراد به نتیجه نمی رسد. مکانیزم اصلاحات

در دولت کنونی بیشتر تغییر چهره هاست نه تغییر راهکارها. تغییر چهره ها فقط زمینه معامله را فراهم می کند. قانون احزاب سیاسی مشکل زیاد دارد. چگونگی ثبت نام احزاب خودش احزاب را به حال رکود قرار می دهد. احزاب موجود معیارهای خود را برای سیاست و کارکرد خود دارند.

چرا قانون انتخابات اصلاح شود؟ شما اگر قانون انتخابات را مطالعه کنید متأسفانه فرمان اخیر که توشیح شده است، به طور غیر مستقیم استقلالیت کمیسیون انتخابات را زیر سوال می برد. کارمند کمیسیون را اصلاحات اداری استخدام می کند و بودجه اش را جامعه جهانی و خود حکومت باید بدهد. مسئله مهم این است که طرح کمیسیون را حکومت تصویب می کند. مثلاً طرح کوچک ساختن حوزه های انتخاباتی بیشتر از هفت ماه است که در کابینه است و هنوز تصویب نشده است. اما راه حل چیست؟ انتخابات امروز یک قاعده پذیرفته شده است، اما باید زمینه برگزاری آنرا فراهم کنید. حکومت نباید از آینده خود بترسد. براساس یافته های ما انتخابات های آینده درحکومت امروزی این نگرانی را خلق کرده که شاید نتواند آنرا درست به نفع خود مدیریت کند. همین باعث شده که نتوانیم انتخابات قابل قبول در افغانستان برگزار نماییم."

خانم فرید در پاسخ به سوالات گفت: " ما متأسفانه در بحث های خود، تعریف دیموکراسی را فراموش کردیم و به بحث های حاشیه ای پرداختیم. مسئله این است که ما می خواهیم اصل تعیین سرنوشت مردم را به خود آنها بدهیم. اساس همه چارچوب های حقوقی به همین مسئله بستگی دارد که ما چطور حکومتی بکنیم که مردم از آن راضی باشند.

درمورد حضور زنان در سیاست، می بینیم که میزان علاقمندی بسیار کم است. ما نباید فراموش کنیم که در بحث ملت سازی که یک پروژه مصنوعی است، باید دولت ها برایش برنامه ریزی کنند. در این زمان، مسئله زنان کمتر مورد توجه قرار می گیرد. باور من این است که تا زمانی که نقش زنان در تکوین ملت و در تمام نهادهای تصمیم گیرنده، نهادینه نگردد، ما نمی توانیم وضعیت زنان را تغییر دهیم."

نشست کاری ششم: نشست ویژه درمورد استراتژی جدید امریکا برای افغانستان / منطقه



گرداننده:

آقای مجیب مشعل، خبرنگار نیویورک تایمز در افغانستان

سخنرانان:

- آقای تمیم عاصی، معاون پلیسی و استراتژی وزارت دفاع افغانستان
- ژسفر گاتم موخوپادیا، سفیر سابق هند در افغانستان
- ژآقای جمعه خان صوفی، استاد دانشگاه پشاور، پاکستان
- ژسفر حسین ملائک، معاون رئیس عمومی مرکز مطالعات استراتژیک ایران
- سفیر پروفیسور سو جی، رئیس انستیتوت مطالعات بین المللی چین زیر نظر وزارت خارجه چین
- پروفیسور برابان تود، پروفیسور دانشگاه دفاع ملی ایالات متحده امریکا

آقای مشعل نشست پایانی را با تاکید بر اهمیت بررسی انتقادی استراتژی جدید ایالات متحده امریکا درمورد افغانستان، آغاز کرد. او به معرفی سخنرانان پرداخت و نکات مقدماتی را برای ورود به بحث تذکر داد. " نکته اول این است که طی دو سال اخیر، جنگ درافغانستان تشدید شده است. شمار تلفات به طور بی سابقه افزایش یافته است؛ هم تلفات نظامی و هم تلفات غیر نظامی. نکته دوم این است که استراتژی جدید ترامپ در زمانی مطرح شده که ما شاهد از بین رفتن توافق منطقه ای درمورد ماموریت بین المللی درافغانستان هستیم. و نکته سوم این سوال است که آیا دولت افغانستان یک شریک قابل اعتبار است یا خیر."

سخنران اول این نشست، آقای تمیم عاصی بود که در مورد زمینه و تبعات استراتژی جدید ایالات متحده امریکا برای افغانستان سخن گفت. " برای نخستین بار، ما شاهد وضاحت در هدف و شناسایی مشکل از سوی دولت امریکا هستیم. پلیسی جدید نتیجه ماه ها بررسی و تامل است. این یک تصمیم امنیتی نظامی است که بر اساس مطالعات وسیع و مشوره با دولت افغانستان و همکاران منطقه ای اتخاذ شده است. این یک تصمیم سیاسی نیست. برای فهمیدن اینکه چرا ایالات متحده امریکا در افغانستان حضور دارد، اولاً ما باید نگاهی به تحول و تکامل پالیسی امریکا در افغانستان، ویژه گی ها و منابع آن داشته باشیم. پلیسی ایالات متحده امریکا در افغانستان در سه مرحله تکامل پیدا کرده است. (۱) مرحله اول از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ را در بر میگیرد؛ در آن زمان بحث بر سر ماموریت آزادی دایمی افغانستان بود که نهایتاً به ماموریت ضد تروریسم امریکا و گسترش نقش ناتو در سراسر کشور منجر شد. (۲) در مرحله دوم، پالیسی امریکا عمدتاً به طور سالانه تطبیق می شد. در این مرحله، امریکایی ها به عناصر خارجی جنگ افغانستان فکر می کردند و صحبت از پالیسی افغان- پاک (افغانستان- پاکستان) به میان آمد. (۳) و اکنون ما پالیسی آسیای جنوبی ایالات متحده امریکا را داریم. هر بار که ایالات متحده امریکا پالیسی خود را اعلام کرده، با انتقاداتی از سوی پاکستان و برخی عناصر منطقه ای روبرو شده است. آن پالیسی ها عمدتاً سیاسی بودند. اما اینبار فرق می کند؛ اولین تفاوت اش در نام است که به پالیسی آسیای جنوبی مسمما می باشد. دوم، این پالیسی مبتنی بر شرایط است و هیچ گونه جدول زمانی برای تطبیق آن مشخص نشده است. سوم، این پالیسی پاکستان را به حیث حامی اصلی تروریسم معرفی می کند. ویژه گی چهارم، به رسمیت شناخته شدن نقش هند به حیث بازیگر مهم منطقه ای است. و بالاخره اینکه در پالیسی جدید، صلاحیت های جدیدی به ناتو داده شده است. آنها در ماموریت ضد تروریسم خود انعطاف پذیری بیشتر خواهند داشت. سربازان افغان بار اصلی جنگ را به دوش می گیرند و در قسمت تامین مالی آنها، سرمایه گذاری جدی برای تجهیز نیروهای امنیتی افغانستان صورت می گیرد.

نگاه مردم افغانستان به این پالیسی چیست؟

در داخل افغانستان سه رویکرد عمده در رابطه وجود دارد؛ مردم عادی افغانستان از آن استقبال می کنند. برخی گروه های سیاسی با آن مخالفت نشان داده اند، اما من فکر می کنم اگر ملاحظات و نگرانی هایشان پاسخ داده شود، آنها جانب دولت را میگیرند. و بالاخره گروه سوم تماشاگران بی تفاوت هستند.

نگاه کشورهای منطقه به این پالیسی چیست؟

خطر افزایش تنش های منطقه ای وجود دارد. اما سوال من این است که چه وقت ما بدون تنش های منطقه ای به سر برده ایم. ما همیشه با تنش های منطقه ای سردچار بوده ایم. ما هیچگاه در مورد افغانستان توافق منطقه ای نداشته ایم.

منافع امریکا و افغانستان در این باره چیستند؟

بیش از ۲۱ گروه تروریستی در افغانستان فعالیت می کنند. اگر ایالات متحده امریکا در اینجا مداخله نکند، ما در منطقه شاهد بی ثباتی خواهیم بود. و بالاخره اینکه اعتبار امریکا در صورت خروج زود هنگام از افغانستان خدشه دار خواهد شد. ما در افغانستان در پی تامین صلح، امنیت و انکشاف اقتصادی هستیم. ما می توانیم برنده این جنگ باشیم، به شرط اینکه بار آنرا خود به دوش بگیریم. هم اکنون ما مسئولیت جنگ را به عهده گرفته ایم، چنانکه نیروهای امنیت ملی ما در حال جنگ اند و در صف اول مبارزه با تروریسم در منطقه مبارزه می کنند. نهایتا باید گفت که این پالیسی یک پالیسی واقع گرایانه است و رهبری ما در دولت اراده سیاسی دارد و در پی اصلاحات می باشد. شاید وقت از کف رفته باشد، اما منطقه باید به جای دخیل شدن در بازی های شرم آور جئوپولیتیک، از ما حمایت کند."

سخنران دوم این نشست، سفیر گاتم موخوپادیایا بود که در مورد جنبه های مثبت و منفی استراتژی جدید ایالات متحده امریکا در افغانستان از دیدگاه هند سخنرانی کرد. او در آغاز سخنرانی اش معلومات عمومی در مورد جنبه های مثبت استراتژی جدید امریکا در افغانستان ارائه داد. " در مورد پیشبرد جنگ، رئیس جمهور ترامپ بسیار واضح از نیت خود برای دادن آزادی بیشتر به نیروهای نظامی خود سخن گفته است. آنها بدون هشدارهای اضافی و نظارت های جزئی عمل خواهند کرد. هیچ کدام جدول زمانی برای تطبیق آن مشخص نشده است. در مورد تعداد سربازان چیزی گفته نشده است تا دشمن از آن بهره نگیرد... جای برای روند سیاسی و گفتگوهای صلح وجود دارد، اما در اولویت قرار ندارد. گفتگوها با طالبان تنها از موقف قدرت صورت خواهد گرفت. این واقعیت که پاکستان به عنوان منبع مشکل شناسایی شده است، هم از سوی هند و هم از جانب افغانستان استقبال شده است. اما باید دیده شود که چی خواهد شد. عنصر جدید در استراتژی جدید امریکا برای افغانستان این است که هدف از آن دولت سازی یا ترویج دیموکراسی نیست. به صراحت بیان شده است که دولت سازی و دیموکراسی باید محصول روندهای داخلی باشد. نهایتا تقویت نیروهای امنیتی افغانستان و به رسمیت شناختن نقش محوری آنها در جنگ، یک نکته مثبت است. جنبه مثبت دیگر این است که بر اهمیت اصلاحات تاکید شده و چک سفید داده نمی شود. هند در مجموع از این جنبه های استراتژی جدید ایالات متحده امریکا در افغانستان حمایت می کند." ایشان در ادامه سخنرانی اش به برخی از نقاط ضعف و نقایص استراتژی جدید امریکا اشاره کرد. " اول، با اینکه ادعا میشود که این یک استراتژی جامعه و کامل است، به شکل یک استراتژی صرفا نظامی برای پیشبرد جنگ ارائه شده است. دوما، جای حمایت ملکی در این استراتژی کاملا خالی است؛ از کمک های انکشافی، همکاری فنی یا کمک به حاکمیت قانون، انتخابات و مانند آن حرفی به میان نیامده است. سوم، بر روندهای داخلی انسجام سیاسی توجهی صورت نگرفته است. چهارم، در این استراتژی نقش کشورهای

منطقه به شمول ایران، روسیه، چین و کشورهای آسیای میانه در نظر گرفته نشده است. البته جایگاه هند تعریف شده است، اما استراتژی دیپلماتیک برای حمایت از استراتژی نظامی تعریف نشده است. نهایتاً- نکته ای که بسیار مهم است، این سوال مطرح است که آیا آمریکا در این مسیر استقامت می کند یا خیر. من فکر می کنم پالیسی ایالات متحده آمریکا در افغانستان دچار تغییرات بوده است؛ چه اگر ما به دوره تجاوز اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان ببینیم و یا به سال ۲۰۰۳ نگاه کنیم که آمریکا تمرکز خود را به عراق معطوف ساخت یا در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، وقتی که آمریکا خبر از افزایش نیرو داد و سپس ما شاهد کاهش نیروهای آمریکایی بودیم."

سخنران سوم این نشست، آقای جمعه خان صوفی بود که به نماینده گی پاکستان در مورد استراتژی جدید ایالات متحده آمریکا در منطقه سخن گفت. او سخنرانی اش را با تذکر این نکته آغاز کرد که استراتژی ترامپ زیر اثر دیدگاه های پنتاگون تعریف شده است. او سپس تاکید کرد که اگرچه برای پاکستانی ها، موقف آمریکا تهدید کننده است، اما ما نباید آنرا بسیار زیاد جدی بگیریم، زیرا روابط میان دو کشور فراز و نشیب های زیاد داشته است. ایشان همچنان به موضع گیری های ایران و چین در این زمینه اشاره کرد. آقای صوفی تاکید نمود که نه آمریکا و نه تاتو در موقعیتی قرار ندارند که بتوانند واقعیت تاریخی و جغرافیایی پاکستان را در منطقه زیر سوال ببرند. او همچنان تاکید کرد که پاکستان و افغانستان درهم پیوسته اند و هیچ ابر قدرت جهانی نمی تواند میان آنها فاصله بیندازد. ایشان در جمع بندی سخنرانی اش گفت افغانستان یک کشور مستقل است و برای برقراری روابط با هر کشوری- بخصوص هند، حق اش محفوظ است. با این حال او هشدار داد که در گذشته هند از خاک افغانستان علیه پاکستان استفاده کرده است.

آقای ملانک چهارمین سخنران این نشست، برداشت شخصی خود را در مورد استراتژی جدید ایالات متحده آمریکا در افغانستان ارائه کرد. او تذکر داد که استراتژی اعلام شده آمریکا صرفاً تحکیم بخشهایی از سیاست های این کشور در افغانستان را مورد توجه بیشتر قرار داده است. " آمریکا از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به این سو، سیاست مشخصی را در افغانستان دنبال می کند که حاوی چند نکته اصلی است که به مرور زمان دارای شاخ و برگ های جدید هم شده است. اول) کنترل رفتار دولت جمهوری اسلامی ایران. دوم) خارج کردن کشورهای آسیای میانه از کنترل و نفوذ روسیه و چین. و سوم) در حال حاضر موضوع کنترل چین و همکاری نزدیک چین و پاکستان در موضوع پروژه سی پک مورد توجه بیشتری قرار گرفته است .

به نظر من فعالیت بیست و یک گروه تروریستی در افغانستان بهانه خوبی برای افزایش حضور ایالات متحده آمریکا در افغانستان نیست. آمریکا از سال ۱۹۹۰ با طالبان که در حاکمیت افغانستان قرار گرفته بود و نقش بی ثبات سازی در ایران را نیز بازی میکرد مرادواتی داشت .

در دولت کنونی آمریکا وزن نظامیان در سیاست خارجی بسیار زیاد شده است و لذا باید شاهد روندهایی از قلدر منشی آنها در منطقه باشیم. در سیاست های جدید ، افزایش نیروی چند هزار نفری دیده شده است در حالیکه برای مبارزه قطعی نظامی و نه سیاسی با طالبان افزایش نیروی نظامی یا باید درحد ۱۵۰ هزار باشد یا باید اینگونه تفسیر کرد که توجیه حضور نظامی برای نا امنی دائمی مورد توافق صورت گرفته است .

حضور هندوستان در این سیاست اهمیت ویژه دارد . هندوستان از انگیزه زیادی برای آوردن فشار بر پاکستان و چین برخوردار است و از نظر دولت ترامپ باید نقش مالی تامین کننده این سیاست ها را بعهده بگیرد . بنظر من دولت ایران با نقش اقتصادی و کمکه های توسعه ای هند به چین مشکلی نخواهد داشت اما بازیگری هند در سیاستهای داخلی افغانستان زنگ خطری است که باید به آن توجه کرد .

اما ایران و آمریکا در افغانستان فصل مشترکی هم دارند: ایران از دولت مرکزی افغانستان حمایت می کند و از هیچ کمکی برای تقویت این حکومت فروگذار نخواهد کرد. کمکهای توسعه ای ایران علیرغم تمام مشکلات اقتصادی و تحریم هایی که با آن مواجه هست بالغ بر یک میلیارد دلار شده است. ایران از کلیه خطوط ارتباطی که افغانستان را به خارج وصل کند حمایت کرده و خصوصا در بندر چابهار تسهیلات ویژه ای برای این کشور در نظر گرفته است. ایران تلاش دارد کلیه جاده های منتهی به مرزهای مشترک را بازسازی و به صورت استاندارد در آورد. رابطه تجاری دو کشور نزدیک به سه میلیارد دلار است و حدود سیصد شرکت از دو طرف نیز بایکدیگر همکاری می کنند. ایران و آمریکا هر دو با افراط گرایی و تروریسم در افغانستان مخالف هستند. این سیاست و همسویی تا جایی ادامه خواهد داشت که آمریکا قائل به تفکیک تروریستها به خوب و بد نباشد. در گذشته آمریکا از افغانستان برای تولید نا امنی در ایران بهره برده است که مورد اعتراض ایران می باشد. اما در مجموع می توان گفت در مورد تروریسم و مبارزه با مواد مخدر ایران و آمریکا در یک جبهه قرار دارند. ایران بر حسب سنجش تغییر در استراتژی جدید آمریکا، تصمیم خواهد گرفت.

سخنران پنجم این نشست، سفیر پروفیسر سو جی، سخنرانی اش را زیر عنوان "دولت سازی افغانستان؛ مسیر آینده" ارائه کرد. او در آغاز سخنرانی اش گفت استراتژی جدید آمریکا برای افغانستان، تغییر استراتژیک نیست، بلکه بیشتر جنبه تاکتیکی دارد و شامل تاکید فعلی جنگ با تروریسم و جلوگیری از دست رساندن آنها به موارد اتمی - که می تواند امنیت آمریکا را با تهدید مواجه کند، می شود. در استراتژی جدید بازسازی افغانستان مد نظر نیست. از نظر پروفیسر جی، تغییر قابل ملاحظه در استراتژی جدید ایالات متحده آمریکا برای افغانستان، رویکرد ارزیابی بنا بر شرایط است که جایگزین تطبیق استراتژی بنا بر جدول زمانی شده است. این رویکرد انعطاف پذیری تاکتیکی بیشتر دارد. او سپس سه شاخص دو گانه را که تلاش های دولت سازی در طول تاریخ افغانستان را متاثر کرده اند، توضیح داد: (۱) سنت های قبیله ای در برابر ملت - دولت مدرن، (۲) نفوذ خارجی در برابر نیروهای محرک داخلی، و (۳) انکشاف در برابر ثبات. ایشان تاکید کرد که چین از مذاکرات گروه چهارگانه هماهنگی - به شمول افغانستان، چین، پاکستان و ایالات متحده آمریکا، حمایت کرده و همچنان طرفدار از سرگیری کار گروه واسط میان سازمان همکاری شانگهای و افغانستان می باشد. او تاکید کرد که چین طرفدار نقش فعال سازمان همکاری شانگهای در کمک کردن افغانستان برای مبارزه با تروریسم است. پروفیسر جی در جمع بندی سخنرانی اش تاکید کرد که چین همواره از روند صلح آمیز آشتی در افغانستان حمایت قاطع و فعال داشته و تا حد ممکن با افغانستان همکاری خوب کرده است.

سخنران آخر این نشست، پروفیسر برایان تود، در سخنرانی خود از دیدگاه های شخصی اش در مورد استراتژی جدید آمریکا در افغانستان سخن گفت. "همانوقت که ترامپ روی کار می آمد، گفتگوها از یک استراتژی جدید جریان داشت؛ بنا بر این بحث ها و تبادل نظر فراوان روی این استراتژی صورت گرفته است. من خوشحالم که دیدگاه افغانستان هم برای طراحی این استراتژی در نظر گرفته است.

ولی از نظر امریکایی ها، هنوز برخی پرسش ها وجود دارد که باید برایشان جواب پیدا کرد. ما به معلومات نیاز داریم. ما باید بدانیم که دقیقا چه جریان دارد. رئیس جمهور ترامپ بارها گفته است که برنامه اش را برای دشمن فاش نمی سازد، اما به هر حال ما در یک دیموکراسی باید تا حدی شفافیت داشته باشیم و مردم باید بدانند که چرا می جنگند. من نمی دانم که آیا می توانیم توقع افزایش کمک های خارجی یا افزایش توجهات دیپلماتیک را داشته باشیم یا خیر. واضح این است که ما هنوز با جنبه های بیروکراتیک اینکه چطور می توانیم فراتر از جنگ نظامی در افغانستان عمل کنیم، درگیر هستیم. اما من می خواهم به افغان ها بگویم که اینکه استراتژی نظامی آمریکا چیست، زیاد مهم نیست. زیرا همانطور که بارها تکرار شده است، جنگ افغانستان راه حل نظامی ندارد. این مربوط به میزان مشروعیت دولت افغانستان می شود. اگر دولت افغانستان بتواند مشروعیت اش را به مردم نشان دهد و ثابت کند که

جنگیدن زیر بیرق اش ارزش دارد، دیگر مهم نیست که چقدر حمایت نظامی امریکا را جلب می کند. زیرا دولت و اردوی افغانستان جنگ را با حمایت مردم خود پیش خواهند برد. بنابراین، من فکر می کنم ایالات متحده امریکا شریک مهم برای افغانستان است، اما ما تنها شریک افغانستان نیستیم. پیشرفت افغانستان چشمگیر است؛ هم در عرصه نظامی و هم در زمینه اصلاحات دیموکراتیک در امور انتخابات، مشارکت زنان در دولت و مانند آن. ابزارها در دسترس هستند، سوال این است که چگونه از آن استفاده کنیم. من فکر می کنم ظرفیت های فراوان وجود دارد و آینده این ملت- دولت بسیار روشن است."

پرسش و پاسخ

- ایران در داخل افغانستان روابطی با طالبان دارد و همچنان نیروهای نظامی را تحت نام " فاطمیون " در اختیار دارد. اگر روابط میان ایالات متحده امریکا و ایران دچار مشکل شود، آیا ایران بخاطر ملاحظات استراتژیک خود، از آن نیروها برای مقابله با امریکا استفاده خواهد کرد؟
- آیا درست است که ایالات متحده امریکا برای نظارت کردن بر چین، در افغانستان حضور دارد؟ آیا منافع امریکا و چین در در ابتکار " یک جاده و یک کمربند " با یکدیگر تضاد دارد؟
- در مورد توازن میان جنبه های نظامی و ملکی استراتژی جدید ایالات متحده امریکا چه فکر می کنید؟
- ما چگونه می توانیم صرف نظر از استراتژی جدید امریکا، رابط همسایه گی خود را با ایران بهبود ببخشیم؟
- اگر افغانستان یک کشور مستقل باشد، چگونه یک کشور دیگر برای ما پالیسی نظامی می سازد؟
- با توجه به بی توجهی مرکز به ولایات اطراف افغانستان، ما چگونه می توانیم به بهبود اوضاع امیدوار باشیم؟

آقای ملانک در پاسخ به سوالات گفت: " یک مشکل ایران این است که نمی داند نقش رهبری امریکا چیست. امریکایی ها گاهی در یک مسیر می روند و گاهی مسیر خود را تغییر می دهند و از دیگر کشورها هم می خواهند از ایشان پیروی کنند. واقعیت این است که وقتی ایالات متحده امریکا به اتفاق عربستان سعودی، امارت متحده عربی و پاکستان مشغول ایجاد ائتلاف با طالبان بود، ایران در آنجا حضور نداشت. طالبان یک نیروی ضد ایران بودند. وقتی طالبان کنترل افغانستان را در دست داشت، ما در مرزهای شرقی خود شاهد شورشگری بودیم. بنابراین، ما طرفدار طالبان نبودیم. در سال ۲۰۱۰، وقتی چین با حمایت امریکا، بر نقش مهم طالبان در افغانستان تاکید کرد، جلسات و گفتگوهای بسیار برای جای دادن طالبان در جریان افغانستان برگزار شد، اما ایران آنجا نبود. ایران معتقد است که یک دولت فراگیر در افغانستان - چه به نام طالبان یا غیر آن، امر مطلوب است. ما خواهان دیدن ثبات و انکشاف افغانستان هستیم. من فکر می کنم ما نباید به دنبال مسایل بی اهمیت برویم. اینکه ایران با طالبان تماس هایی دارد، کاری است که دیگران هم انجام میدهند. اما اگر ایالات متحده امریکا از نفوذ و قدرت خود علیه تهران استفاده کند، منطقی و معقول است که با واکنش مواجه خواهد شد. این مشکل ما نیست. ما این پالیسی را طراحی نکرده ایم.

کمیته عالی امنیتی که چهار ماه پیش میان ایران و افغانستان ایجاد شده، این مسایل- به شمول مشکل آب میان دو کشور، را به خوبی جواب میدهد. "

سفیر جی در پاسخ به سوالات اظهار داشت: " در رابطه به اینکه آیا حضور امریکا در افغانستان به هدف نظارت کردن بر چین باشد، من امیدوارم که چنین نباشد. از دیدگاه من، ایالات متحده امریکا و چین منافع مشترک در افغانستان دارند. ما توقع همکاریهای بیشتر داریم. جامعه جهانی تلاش دارد تا فضای مناسب را برای افغانستان فراهم کند تا این کشور پیشرفت کند. ما در جامعه جهانی

نمی خواهیم مشغول جنگ با هم شویم. در رابطه با "یک جاده و یک کمر بند"، هدف ما جمع کردن تمام ملت ها و کشورهاست. ما طرفدار بازی "یا همه یا هیچ" نیستیم. همکاری امریکایی ها مانند دیگر همکاریها برای ما خوشایند است. ثبات و انکشاف بخش هایی از یک هدف هستند. کلام آخر اینکه شما خودتان بهتر از دیگران می توانید برای خود تصمیم بگیرید."

آقای عاصی در پاسخ به سوالات گفت: "صلح و آشتی یک بخش مهم پالیسی جدید ایالات متحده امریکا در افغانستان است. صلح و آشتی و توافق سیاسی در این پالیسی اهمیت دارد. اما این پالیسی هنوز کاملا انکشاف نیافته است؛ تنها خطوط کلی و برجسته رهنما در آن تذکر داده شده است. کار بر روی جزئیات آن جریان دارد. درعین حال، ما باید از خود این سوال را بپرسیم که بدیل آن چیست؟ حداقل ایالات متحده امریکا یک پالیسی دارد، اما هیچ پالیسی ندارد. افغانستان جایی برای سرمایه گذاری و همکاری است. ما با تهدیدها و دشمنان مشترک روبرو هستیم و باید با هم با آنها مقابله کنیم."

پروفسر تود، در پاسخ به سوالات گفت: "حضور ایالات متحده امریکا در افغانستان بر اساس توافق دو جانبه است. ایالات متحده امریکا عراق را ترک کرد، زیرا دولت عراق دیگر حضور امریکا را نمی خواست. بنابراین ما قرارداد دو جانبه امنیتی را با آنها امضا نکرده و آنجا را ترک کردیم. ما در اینجا هستیم زیرا شما علاقمندید با ما کار کنید، اما یقینا ما تنها گزینه موجود نیستیم."

آقای صوفی در پاسخ به سوالات اظهار داشت: "من شخصا با مداخله پاکستانی ها یا امریکایی ها در افغانستان، به بهانه مقابله با اتحادیه جماهیر شوروی، مخالف بودم. در آن زمان دولت افغانستان مشروعیت داشت. اکنون دولت مشروعیت بین المللی دارد ولی مشروعیت داخلی ندارد. بی اعتمادی میان دو کشور (افغانستان و پاکستان) از سال ۱۹۴۷ شروع شد. من خودم- همانطور که درمورش نوشته ام، در سال ۱۹۷۴ در افغانستان تعلیمات نظامی دیدم تا علیه پاکستان وارد عمل شوم. پیش از آن در سال ۱۹۷۳، جوانان بلوچ و پشتون در افغانستان تعلیم نظامی می دیدند تا علیه پاکستان بجنگند؛ در آن زمان از گلبدین و احمد شاه مسعود خبری نبود. این ملامت گری بین دو کشور ادامه خواهد مگر آنکه هر دو طرف بر سر برخی مسایل مهم به توافق برسند. یکی از آن مسایل، مهاجرین افغان در پاکستان است. آنها باید یکبار و برای همیشه از پاکستان اخراج شوند."

سفیر موخوپادیا در پاسخ به سوالات گفت: "ما تعهد خود به بازسازی افغانستان را به آنچه ما پروژه های انکشافی کوچک می نامیم، گسترش داده ایم؛ پروژه هایی که باید به مردم عادی مدد برساند. ما همچنان در پی همکاری انکشافی در ساحه سرمایه گذاری تجاری هستیم. در پهلوی استراتژی امنیتی، شما نیاز به استراتژی اقتصادی دارید که لازمه آن سرمایه گذاری استراتژیک در بخش منابع طبیعی، کشاورزی و منابع بشری موجود در افغانستان می باشد. این چیزی است که ما می خواهیم."

در رابطه با مشکل هند و پاکستان، من می خواهم صریحا تذکر دهم که روابط هند و افغانستان، حداقل ۲۰۰۰ سال پیش از رابطه پاکستان و افغانستان، سابقه دارد. حضور ما در افغانستان به انکشاف و ثبات در افغانستان مربوط می شود.

اظهار سیاس؛ رئیس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

در خاتمه این همایش دو روزه، آقای دکتر مرادپان در سخنرانی سپاسگذاری، بر ضرورت جستجوی راه حل مشکلات از طریق گفتگو و تفاهم تاکید کرد. " همه ما راه های گوناگونی را برای رسیدن به صلح و ثبات جستجو کرده و می کنیم ، اما آن راهی که باید جستجو کنیم و راه گفتگو و تفاهم باشد، کمتر در آن سرمایه گذاری کرده ایم." رئیس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان با اشاره به جمع سخنرانان نشست پایانی همایش که نماینده گانی از کشورهای امریکا، ایران، هند، پاکستان، چین و افغانستان بودند، تذکر داد که پیوند هرات با این کشورها رابطه ای مستحکم و قدیمی است. " برای ایرانی ها هرات بخشی از قلب وجود شان هست. هرات همچنان پایتخت معنوی ترک زبان ها هم می باشد، چرا که آرامگاه علی شیر نوایی در این شهر است. اگر چه ما اخیراً از رابطه دیپلماتیک چین و افغانستان تجلیل کردیم ولی اگر به تاریخ نگاه بکنید، یک هویتی از چین در قرن چهاردهم در زمان سلسله مینگ به هرات آمد و کتابی هم به زبان چینی در این مورد نوشته شده است. در مورد رابطه امریکا با هرات، آقای جنرال مک مستر کسی است که در افغانستان برای دو سال خدمت می کرد و ترفیع رتبه نظامی اش را از طرف پنتاگون به ترجیح خودش در این شهر دریافت کرد. او هنوز خود را یک جنرال هراتی - امریکایی می داند. در مورد رابطه پاکستان و هرات، شاه جان قلندر که مردم در پاکستان او را بزرگ می شمارند، از هرات بود. رابطه هند و هرات هم یک رابطه قدیمی است. غریب نواز چشتی که در دهلی مورد احترام مردم است، از ولسوالی چشت هرات است."

داکتر مرادپان سپس از مهمانان خارجی که علی رغم خطرات امنیتی به افغانستان آمده و در این برنامه شرکت کرده بودند، تشکر کرد. او همچنان از حامیان مالی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان - به شمول سفارت امریکا، سفارت فرانسه، سفارت هند و بنیاد آسیا، که در برگزاری این دور از گفتگوهای امنیتی هرات همکاری داشتند سپاسگذاری نمود. ایشان تذکر داد که مردم هرات میزبانان واقعی این برنامه بودند. او از نیروهای امنیتی هرات بخاطر تلاش شبانه روزی شان جهت تامین امنیت این همایش یادآوری نمود و نیز از مقامات کابل که در سطوح مختلف در برگزاری این برنامه همکاری کرده اند، قدر دانی کرد. داکتر مرادپان همچنان تاکید کرد که برگزاری موفق این همایش بدون همکاری گروهی دست اندرکاران جامعه مدنی به شمول رسانه ها ناممکن بود.

ضمایم

ضمیمه ۱ برنامه کاری:

جمعه، ۲۱ میزان	
نشست آغازین کنفرانس	
۸:۳۰ الی ۹:۳۰	<ul style="list-style-type: none"> • تلاوت قرآن مجید • سرود ملی • مناجات خواجه عبدالله انصاری • اجرای موسیقی عرفانی • خوش آمدگویی توسط والی محترم هرات، محمد آصف رحیمی • خوش آمدگویی توسط دوکتور رنگین دادفر سپنتا، رئیس بورد مشورتی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان/ وزیر امور خارجه و مشاور امنیت ملی پیشین • سخنران ویژه: فرستاده پیشین ویژه سازمان ملل در افغانستان، جلال ماب سفیر کای ایده، ناروی
جلسه اول: دولت‌های ملی: خوشبختی یا بدبختی؟	
۹:۳۰ الی ۱۱:۰۰	<p>گرداننده: دوکتور کرسستین فییر، استاد یار دانشگاه جورج تاون، آمریکا</p> <p>سخنرانان:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. دوکتور انورالحق احدی، رئیس جبهه ملی نوین افغانستان، وزیر مالیه پیشین جمهوری اسلامی افغانستان ۲. پروفیسور پائولو کوته راموسینو، دبیرکل کنفرانس‌های پگواش در زمینه علوم و امور جهانی - ایتالیا ۳. پروفیسور مگنوس مارسدن، جامعه شناس و مدیر مرکز آسیایی ساسکس در دانشگاه ساسکس انگلستان ۴. پروفیسور عبدالسلام محمد نظروف، پوهنتون ملی تاجیکستان <p>بحث آزاد</p>
۱۱:۳۰ الی ۱۱:۰۰	صرف چای
جلسه دوم: آیا دولت‌های ملی می توانند در قرن بیست و یکم دوام بیاورند؟	
۱۱:۳۰ الی ۱۳:۰۰	<p>گرداننده: دوکتور غلام علی چگینی زاده، استاد علوم سیاسی در دانشگاه علامه، تهران، ایران</p> <p>سخنرانان:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. دوکتور نصیر احمد اندیشه، محقق و دیپلمات، معاون وزیر خارجه افغانستان ۲. سترجنرال راج نارایانان، عضو برجسته انستیتوت یونایتد سرویس، هندوستان ۳. دکتر ذکیه عادل، استاد علوم سیاسی در دانشگاه کابل ۴. دکتر جفری ای. ستاسی، محقق، دیپلمات/ مدیر همکار جیوپولیسیتی در ایالات متحده آمریکا <p>بحث آزاد</p>
۱۳:۰۰ الی ۱۴:۰۰	صرف نان چاشت
جلسه سوم: دولت در اندیشه و عمل اسلامی: ایده آلیسم؛ واقع گرایی؛ ناامیدی	
۱۴:۰۰ الی ۱۵:۳۰	<p>گرداننده: خانم حمیرا نائب، رئیس خبرگزاری زنان افغان</p> <p>سخنرانان:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. آقای علی امیری، استاد در دانشگاه ابن سینا، کابل ۲. دکتر سید حمزه صافی، استاد دانشگاه و رئیس انستیتوت مطالعات آینده جهان اسلام در تهران ۳. آقای محمد عثمان، معاون سردبیر روزنامه الاهرام در مصر ۴. پروفیسر مایکل بری از دانشگاه امریکایی افغانستان / دانشگاه پرینستون <p>بحث آزاد</p>
۱۵:۳۰ الی ۱۶:۰۰	صرف چای

جلسه چهارم: راه دشوار دولت‌سازی در افغانستان؛ مشروعیت؛ ظرفیت؛ سلطه‌جویی		
گرداننده	دکتر شاکتی سینها، محقق هندی و رئیس موزیم کتابخانه یادبود نهر و	
سخنران ان	۱. دکتر مجیب رحیمی، محقق و سخنگوی دفتر ریاست اجرایی، افغانستان ۲. دکتر تیمور شاران، محقق و معاون رئیس اداره مستقل ارگان‌های محلی، افغانستان ۳. آقای کاوون کاکر، وکیل و مدیر همکار شرکت کاکر، افغانستان ۴. پروفیسور توماس جانسون، محقق برجسته آمریکایی از مکتب تحصیلات عالی، نیروی دریایی آمریکا ۵. آقای جیمز آرم سترانگ، مشاور سیاسی نمایندگی ارشد سیاسی ناتو	۱۶:۰۰ الی ۱۸:۰۰
بحث آزاد		
ضیافت رسمی توسط شهردار هرات (هتل ارگ فقط با دعوت‌نامه)		
۱۹:۰۰ الی ۲۱:۰۰		

شنبه، ۲۲ میزان (هتل ارگ)

موسیقی سنتی عرفانی

۰۹:۰۰ الی ۰۸:۳۰

جلسه پنجم: دولت دموکراتیک؛ جامعه دموکراتیک؛ آینده دموکراسی

گرداننده	خانم شهرزاد اکبر، فعال برجسته حقوق بشر و حقوق زنان/ عضو موسسه افغانستان ۱۴۰۰	
سخنرانان	۱. ناهید فرید، عضو پارلمان، مجلس نمایندگان افغانستان ۲. آقای کبیر صالحی، محقق، مطالعات اسلامی، افغانستان ۳. آقای سلیمان مزار اخمت ژارو، محقق انستیتوت مطالعات استراتژیک قزاقستان زیر نظر رئیس جمهور قزاقستان ۴. آقای محمد نعیم ایوب زاده، رئیس بنیاد انتخابات شفاف و عادلانه افغانستان	۰۹:۰۰ الی ۱۰:۳۰
بحث آزاد		

صرف چای

۱۰:۳۰ الی ۱۱:۰۰

جلسه ششم: نشست ویژه در مورد استراتژی جدید آمریکا برای افغانستان/ منطقه

گرداننده	آقای مجیب مشعل، خبرنگار نیویورک تایمز در افغانستان	
سخنرانان	۱. آقای تمیم عاصی، معاون پالیسی و استراتژی وزارت دفاع افغانستان ۲. سفیر گاتم موخوپادیایا، سفیر سابق هند در افغانستان ۳. آقای جمعه خان صوفی، استاد، دانشگاه پشاور، پاکستان ۴. سفیر حسین ملایک معاون رئیس عمومی مرکز مطالعات استراتژیک ایران ۵. سفیر پروفیسر سو جی، رئیس انستیتوت مطالعات بین المللی چین زیر نظر وزارت خارجه چین ۶. پروفیسر برابان تود، پروفیسر دانشگاه دفاع ملی ایالات متحده آمریکا	۱۱:۰۰ الی ۱۳:۰۰
بحث آزاد		

اظهار تشکری و سپاس: رئیس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

۱۳:۰۰ الی ۱۳:۰۵

صرف نان چاشت

۱۳:۰۵ الی ۱۴:۰۵

برگشت به کابل

ضمیمه ۲ لیست شرکت کنندگان:

Name	Designation	Organization
Islamic Republic of Afghanistan (Kabul)		
Adeli, Zakia	Lecturer	Kateb University
Ahady, Anwarulhaq	Chairman	The New National Front Party
Akbar, Shahrzad	Head	Open Society Afghanistan
Amin, Karim	Member	Hezb-e Islami Party
Amini, Sadiq	Lecturer	University of Afghanistan
Amiri, Ali	Lecturer	Ibn-e-Sina University
Andisha, Nasir Ahmad	Deputy Foreign Minister for Management and Resources	Ministry of Foreign Affairs
Asey, Tamim	Deputy Minister for Policy and Strategy	Ministry of Defense
Ayubzada, Mohammad Naeem	Director	Transparent Election Foundation of Afghanistan
Azam, Farooq	Chairman	Movement for Peaceful Transformation of Afghanistan
Badghisy, Wasima	Operational Deputy	Independent Election Commission
Baheer, Ghairat	Head of the political committee	Hezb-e Islami Party
Baluch Zada, Ajmal	Member	Mehvar-Mardum Afghanistan
Daryabi, Zaki	Editor-in-Chief	Daily Etilaat Roz
Dr. Spanta, Rangin Dadfar	Chairman / Former NSA/FM of I.R. Afghanistan	AISS Advisory Board
Etemadi, Homaira Ludin	Advisor to the former President Hamid Karzai	
Faizy, Mansoor	Editor-in-Chief	Afghanistan Times
Fareed, Nahid	Member	Afghan Parliament
Hassanyar, Sharif	Head	Ariana TV
Hiwadmal, Zalamai	Cultural Advisor to the former President Hamid Karzai	
Iftikhar, Yousef	Advisor/coordinator	Pugwash, Kabul Office
Kabir, Daryoush	Director	Joint Special Operations Center
Kakar, Kawun	Political Expert	
Khalid, Abdul Hadi	Senior Advisor to the Minister	Ministry of Interior Affairs
Mashal, Mujib	Senior Correspondent	New York Times, Kabul
Massoud, Ahmad Wali	Chairman	Massoud Foundation
Nabil, Rahmatullah	Former Head	National Directorate of Security
Naji, Davood	Activist	Civil Society
Nazari, Ghulam Farooq	Member	Afghan Parliament
Noyan, Abbas	Political Expert	
Osmani, Ali Ahmad	Minister	Ministry of Energy and Water
Rahami, Mujib Rahman	Spokesperson to the Chief Executive	Afghanistan Unity Government
Rahimi, Sardar Mohammad	Deputy Minister of Education for Literacy	Afghanistan Unity Government
Ramizpoor, Abul Ahrar	Human Rights Officer	UNAMA Human Rights
Salehi, Abdul Kabir	Researcher	
Saqib, Homaira	Director	Afghan Women News Agency
Sharan, Teimor	Deputy	Independent Directorate of Local Governance
Sharifi, Aryan	Director of National Threat Assessment	National Security Council
Sharq, Shiwa	Activist	Civil Society
Sorosh, Fardina	University Lecturer	
Wafayezada, Mohammad Qasim	Deputy Director General on Policy and Planning	Afghanistan Civil Aviation Authority
Yunus, Toghra	International Relations Advisor to First Vice President	Afghanistan Unity Government
United States of America		

Barry, Michael	Visiting Professor	AUAF
Borshchevskaya, Anna	Ira Weiner Fellow	The Washington Institute for Near East Policy
Fair, C. Christine	Associate Professor	George Town University
Gerlaugh, John	President	Team Afghan Power
Johnson, Thomas	Professor	National Security Affairs Department, Naval Postgraduate
Stacey , Jeffrey A.	Managing Partner	Geopolicity
Todd , Brianne	Professor	Near East South Asia Center for Strategic Studies
Republic of India		
Ilhan, Sinan	Counsellor, Deputy Chief of Mission	The Embassy of the Republic of Turkey, Kabul
France		
Achard, Francois-Xavier	Deputy Police Attaché	French Embassy Kabul
Aichouba, Kouider	Security Officer	French Embassy Kabul
Merlin, Philippe	Deputy Head of Mission	French Embassy Kabul
Perni, Fabien	Security Officer	French Embassy Kabul
Republic of India		
Bansal, Alok	Executive Director	South Asian Institute for Strategic Affair
Bhasin, Sumeer	CEO and Founder	Anaar Group
Kumar, Gauruv	Consul General	Consulate General of Indian in Herat
Mukhopadhaya, Gautam	Freelance Speaker and Writer on Indian Foreign Policy and the North East of India	
Narayanan, Rajiv	Distinguished Fellow	United Service Institution of India
Ravi, Vasudev	Second Secretary	Indian Embassy, Kabul
Sharma, Sarral	Researcher	Institute of Peace and Conflict Studies (IPCS)
Sinha, Shakti	Director	Nehru Memorial Museum & Library, New Delhi
Islamic Republic of Pakistan		
Bakht Baidar Khan	Consul General	Consulate General of Pakistan in Herat
Ibrahim, Muhammad	Counselor	Consulate General of Pakistan in Herat
Sufi, Juma Khan	Professor	University of Peshawar
Islamic Republic of Iran		
Baba, Ali Akbar	Senior Consul	Consulate General of Iran in Herat
Bahrami, Mohammad Reza	Ambassador	Iranian Embassy to Kabul
Gholipour, Ali Reza	Director of Asia Studies Group	Institute for Political and International Studies (IPIS)
Karimkhan, Fatema	Correspondent	Isna News Agency
Malaek, Seyed M. Hossein (Ambassador)	Deputy	Center for Strategic Research
Mosadeqi, Majeed	Deputy	Consulate General of Iran in Herat
Safawi, S. Hamza	Director	Institute of Islamic World Future Studies
Seddiqifar, Mohammad Mahdi	General-Director	Institute for Central Asia & Afghanistan Studies
Norway		
Eide, Kai	Former UN Special Representative to Afghanistan	UNAMA
United Kingdom		
Marsden, Magnus	Professor	University of Sussex
Kingdom of the Netherlands		
Faizy, Suboh	Senior Political Advisor	Kingdom of the Netherlands to Kabul
Leeuwen, Geoffrey-van	Ambassador	Kingdom of the Netherlands to Kabul
Linden, Janna Van der	Second Secretary	Kingdom of the Netherlands to Kabul
Arab Republic of Egypt		
Othman, Mohamad	Deputy of Editor in-Chief	Al-Ahram Daily Newspaper
Republic of Tajikistan		
Sattorove, Abdunabi	Professor	Tajikistan University

Nazarov, Abdul Salam Mohammad	Professor	Tajik National University
Loiknazar, Sobirov	Senior specialist of Department of foreign policy	The Center for Strategic Researches under the President of the Republic of Tajikistan
Republic of Uzbekistan		
Abdullayev, Akmaljon	Senior Research Fellow	University of World Economy and Diplomacy
People's Republic of China		
Ge, Su	President	China Institute for International Studies (CIIS)
Ning, Gu	Assistant Research Fellow	China Institute for International Studies (CIIS)
Zhixin, Zhang	Chinese Counselor	Chinese Embassy to Kabul
Wan, Xu	Political Officer	Chinese Embassy to Kabul
Tao, Liu	Attaché	Chinese Embassy to Kabul
Republic of Kazakhstan		
Yergaliyev, Zhunus	Counsellor	Kazakhstan Embassy to Kabul
Akhmetzharov, Slyamzhar	Researcher	Kazakhstan Institute for Strategic Studies under the President of the Republic of Kazakhstan (KazISS)
Ismailov, Anvar	Second Secretary	Kazakhstan Embassy to Kabul
Republic of Italy		
Ramusino, Paolo Cotta	Secretary General	Pugwash Conferences on Science and World Affairs
NATO		
Boatswain, Christian	Deputy Senior Civilian Representative	NATO
Armstrong, James	Political Advisor	NATO
Babo, Joachim	Political Advisor	NATO
Medeiros, Sheila	Military Assistant	NATO
UNAMA		
Razzoq, Olamgir	Political Affairs Officer	UNAMA
Julia Kempny	Political Affairs Officer	UNAMA
UNRCCA		
Larin, Andriy	Political Affairs Officer	UNRCCA
Islamic Republic of Afghanistan (Herat)		
Abdulhalim Khan General	Director	Herat National Security
Adeel, Mohammad Joma	Commander	Ansar 606 Zone
Alawi, Sayed Nasir	President	Consulting Council of the city
Alizaie, Mohammad Kamran	President	Provincial Council
Amid, Jawad	Representative	Network of Civil Society Institutions
Amin, Aminullah	Director	Security Directorate
Amini, Haroon	University Student	
Ansari, Mohammad Ayoob	Commander	Herat Security Directorate
Arezo, Parwir	University Lecturer	
Ataie, Mohammad Asef	University Lecturer	
Ayobi, Shakiba	University Student	
Azadani, Aminullah	President	Foreign Relations in Herat
Azimi, Firoz Ahmad	University Lecturer	
Azimi, Abdulzaher	Political Military Activist	
Azimi, Mirwais	University Lecturer	
Azizi, Yasamin	University Student	
Bashir, Maria	Political Activist	
Behruzian, Shafiq	Civil Society Activist	
Cheshti, Sayed Yaqoob	University Lecturer	
Ehsas, Sayed Ehsan	University Student	
Elkhani, General	Commander	Public Security and Order
Erfan, Dawood	University Lecturer	

Faqiri, Mohammad Qasim Khan	Deputy	Consulting Council
Farhad, Jilani	Spokesman of Herat Governor	
Farzad Herawi, Farid Ahmad	University Student	
Fazl, Khalil Ahmad	University Lecturer	
Fazli, Mohammad Mirwais	University Lecturer	
Haidari, Mohammad Sediq	Deputy	Consulting Council
Hanif, Mosab	University Student	
Hashemi, Zohal	University Student	
Ibrahim, Muhammad	Counselor of Pakistan Consulate General	Pakistan Consulate
Jami, Alahmadi Maryam	Civil Society Activist / Qari	
Jami, Aziz	Civil Society Activist	
Jawad, Hafizullah	University Lecturer	
Kamrani	Director	Herat Electricity Power Station
Karim,i Roqia	University Student	
Karimi, Yalda	University Student	
Khairandish, Aziza	President	Network of Civil Society
Kiani, Nazifullah	University Student	
Mahmudi	University Lecturer	
Mashuof, Yaqub	Writer	
Mohammadi, Fereidoon	University Student	
Mohammadi, Khalil Ahmad	University Student	
Mohseni, Mohammad Asef	University Lecturer	
Monir, Dawood	University Lecturer	
Mosadeqi, Majeed	Deputy	Iran's Consulate in Herat
Munib, Zabihullah	University Student	
Nabi, Tariq	University Lecturer	
Naderi, Rafie	President	Lawyers Association
Nawini, Abdulwahab	University Lecturer	
Pedram, Habiburahman	Member	Provincial Council
Qatali, Sayed Wahid	Herat Mayor	
Rahimi, Mohammad Asef	Herat Governor	
Rahimi, Abdulqader	Head	Human Rights Commission in Herat
Rasuli, Naqibullah	University Lecturer	
Sadeqi, Ali Akbar	Deputy President	Kahkashan University
Saleh, Molawi Khodadad	Presidnet	West Zone Ulama Council
Sayedi, Wasea	President	Wasa Organization
Sediqi, Ahmad Fawad	University Lecturer	
Shahir, Mohammad Rafiq	President	Expert's Council
Taheri, Jahantab	Member	Provincial Council
Taheri, Toryalai	Member	Provincial Council
Tariq, Sayed Bashir	University Student	
Tawakoli	Religious Political Activist	
Wakil Zada, Omid	University Lecturer	
Wameq	President	Political Science and law Department
Yosof, Halim	Council's Deputy	

ضمیمه ۳ بازتاب خبری همایش در رسانه های ملی و بین المللی:

رسانه های بین المللی:

- [دویچه وله](#)
- [پیام آفتاب](#)
- [ال اهرام](#)
- [فارس نیوز](#)
- [وای جی سی](#)

رسانه های داخلی:

- [طلوع نیوز](#)
- [اطلاعات روز](#)
- [هشت صبح](#)
- [افغانستان تایمز](#)
- [آریانا نیوز](#)
- [بی بی سی فارسی](#)
- [آوا پرس](#)
- [تلویزیون یک](#)
- [رادیو کلید](#)
- [باختر نیوز](#)

ضمیمه ۴ لوگو و تصاویر همایش:

لوگوی همایش:

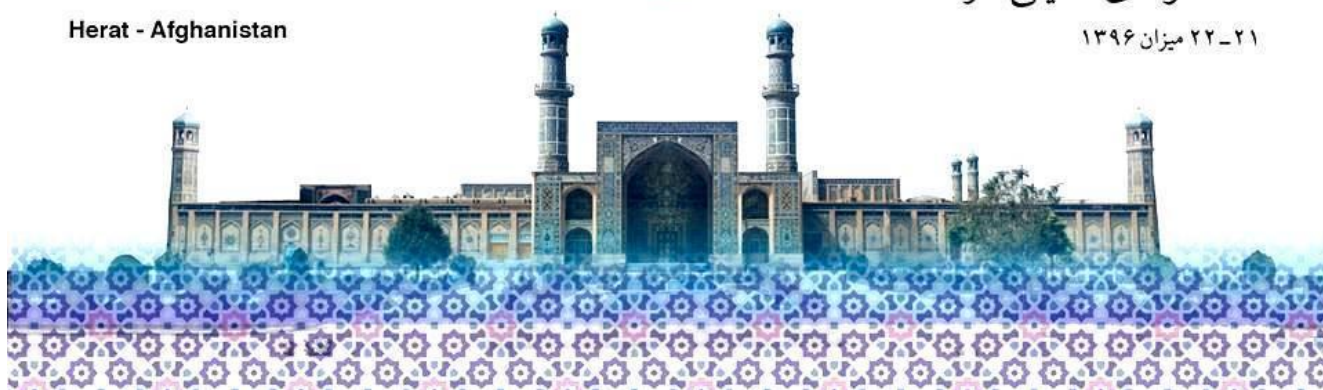
Herat Security Dialogue-VI

13 -14 October 2017

Herat - Afghanistan



شپږم نړیوال کنفرانس
گفتگوهای امنیتی هرات
۲۱-۲۲ میزان ۱۳۹۶



ضیافت رسمی و برنامه فرهنگی



برنامه فرهنگی و مراسم رقص سماع



تصویر همایش:



* پایان *

تماس با ما:

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
قلعه ۹ برج، کارته پروان، کابل، افغانستان
پست‌بکس: ۵۲۱۴ پسته‌خانه مرکزی